

انتشار دومین گزارش گالیندوپل درباره حقوق بشر در ایران

گزارش اخیر فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مرصه های مختلف پایمال شدن حقوق بشر در ایران را مورد تاکید قرار داده است.

انتشار نشریات، کتب و فعالیت های هنری بوجود میآورد. مانع از ارائه شکایت نامه افراد میشود و از گردهمایی ها و برگزاری اجتماعات و تشکیل سازمانهای صنفی جلوگیری می نماید. گفته بازرس ویژه حقوق بشر شکنجه و اعدام مخالفین رژیم موجب شده است که مردم از بر ملا کردن نقض حقوق بشر در ایران وحشت داشته بقیه در صفحه ۲

پایمال کردن حقوق متهمین در دادگاههای حکومت جمهوری اسلامی اشاره کرده و گفته است که بازداشت شدگان از حقوق شان در دادگاهها محرومند، محاکمات بطور علنی برگزار نمیشود و اتهام بازداشت شدگان بلافاصله به آنها اطلاع داده نمیشود. گالیندوپل در گزارش خود گفته است که رژیم جمهوری اسلامی موانع متعددی در مورد

این گزارش که در ۹۲ صفحه تنظیم شده است حاصل بررسی ها و تحقیقات سفر اخیر گالیندوپل بایران می باشد. گالیندوپل روز شانزدهم مهر ماه گذشته همراه با هیئتی به ایران رفت. متن کامل گزارش هنوز بدست ما نرسیده است ولی قسمت هایی از آن توسط خبرگزاریها منعکس شده است. گالیندوپل در گزارش خود به

گزارش گالیندوپل بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در نیویورک انتشار یافت. به گفته خبرگزاریها، در این گزارش گفته شده است که حقوق بشر در ایران همیزان چشم گیری نقض میشود، بازداشت مخالفین ادامه دارد و شکنجه و بد رفتاری در زندانها پابرجاست و شهروندان هم چنان در دادگاههای جمهوری اسلامی به اعدام محکوم میشوند.

اگرشیت

دوشنبه ۵ آذر ماه ۱۳۶۹ برابر ۲۶ نوامبر ۱۹۹۰ سال هفتم شماره ۳۲۸

در صورت تصویب یک قطعنامه جدید

شورای امنیت اعمال قهر علیه اشغال کویت را مجاز اعلام می کند

ارزیابی کردی تاکید نمود کشورش در شورای امنیت در هر حالت قابل تصور، در برابر حل نظامی بحران خلیج فارس مقاومت نخواهد کرد. رئیس جمهور شوری گفت: "ما نباید بگذاریم صدام حسین، جامعه بین المللی را به زانو درآورد. این امر پذیرفتنی نیست." گارباچف از مطبوعات خواست سیاستمداران را به طرفداران و مخالفان یک راه حل نظامی تقسیم نکنند. وی گفت همه سیاستمداران در صددند که در صورت امکان یک راه حل فیر نظامی بیابند. گفته می شود طرحی که ایالات متحده برای قطعنامه جدید شورای امنیت تهیه کرده بقیه در صفحه ۳

بوش پس از این دیدار گفت که نسبت به صدور چنین قطعنامه ای در طول هفته آینده، "خوشبین" است. رئیس جمهور آمریکا از پاریس به عربستان سعودی رفت و در روز هید "شکرگزاری" با تعدادی از نظامیان آمریکایی مستقر در نزدیکی مرز کویت، دیدار کرد. گارباچف بدنبال گفتگو با جرج بوش اظهار داشت: "ممکن است همه این است که باید دست به کار شویم، باید خود را مصمم نشان دهیم. شورای امنیت باید فوراً اوضاع را مورد بررسی قرار دهد و تصمیمی بگیرد." رئیس جمهور شوری، موقعیت در منطقه خلیج فارس را "بسیار خطرناک" و "تحلیل دقیق" آن را ضروری

شورای امنیت سازمان ملل متحد در هفته جاری به منظور بررسی صدور یک قطعنامه جدید علیه عراق، تشکیل جلسه خواهد داد. در صورت تصویب این قطعنامه، اعمال قهر برای پایان دادن به اشغال کویت توسط عراق مجاز اعلام خواهد شد. هفته گذشته به موازات اجلاس سران کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که در پاریس برگزار شد، جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در مورد صدور یک قطعنامه جدید از سوی شورای امنیت با میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوری مذاکره کرد. بوش پس از این دیدار گفت که نسبت به صدور یک قطعنامه جدید از سوی شورای امنیت با میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوری مذاکره کرد.

گردهمایی رهبران ۳۴ کشور در پاریس

شامل تانک، زره پوش و توپ را پیش بینی می کند. با اجرای این قرارداد، شوروی برتری خود را در این تسلیحات از دست خواهد داد.

کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا طی اجلاس هفته گذشته خود سندی تحت عنوان "منشور اروپای آزاد" مورد تصویب قرارداد. در این سند، همه کشورهای اروپا و آمریکای شمالی برای نخستین بار، بر دموکراسی به عنوان تنها شکل حکومتی ممکن و مجاز در کشورهای خود تاکید کرده و اصول دموکراسی را چنین برشمرده اند: حکومت مبتنی بر انتخاب نمایندگان مردم، پولوالیسم، مسئولیت انتخاب شوندهان در برابر انتخاب کنندگان، الزام قدرت دولتی به پیروی از قانون، استقلال قوه قضائیه، شمول قانون بر همه افراد و حفظ حقوق اقلیت ها.

اجلاس پاریس یکی از مهمترین مسائل مبتلا به اروپا در سال های آینده را نحوه تنظیم روابط دولت ها با اقلیت های ملی و روابط ملیت های مختلف در

روسی جمهور و نخست وزیران ۳۴ کشور اروپا و نیز ایالات متحده و کانادا، هفته گذشته در اجلاس سران "کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا" در پاریس شرکت کردند.

نخستین اجلاس سران کشورهای عضو این کنفرانس در سال ۱۹۷۵ در هلستینکی تشکیل و به صدور قطعنامه پایانی هلستینکی منجر شد. این قطعنامه برای نخستین بار، اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای قاره اروپا را مورد تاکید قرارداد و سال ها، مبنای تنظیم روابط دوجانبه و چندجانبه میان این کشورها بود.

گردهمایی پاریس رسماً نقطه پایانی بر جنگ سرد نهاد. رهبران ۱۶ کشور عضو ناتو و شش کشور عضو پیمان ورشو در بیانیه مشترکی اعلام کردند که دوران خصومت این دو پیمان نظامی به سر رسیده است. سران ناتو و پیمان ورشو در پاریس قراردادی را امضا کردند که بدنبال مذاکرات نمایندگان این کشورها در وین تهیه شده است. این قرارداد برای نخستین بار کاهش تسلیحات فیر هسته ای در اروپا،

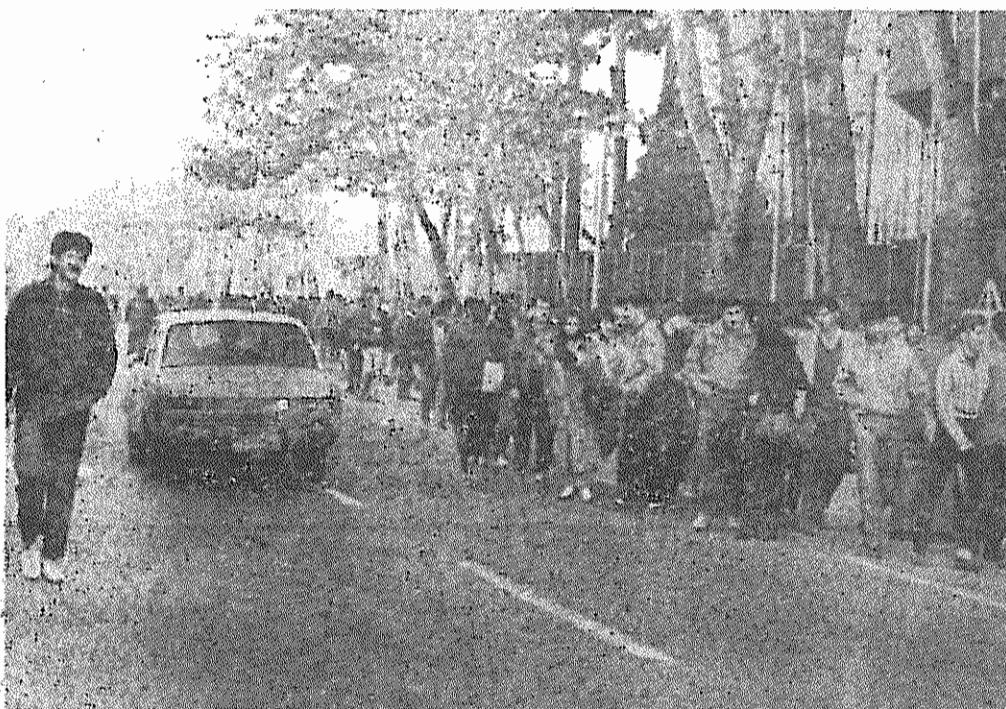
گرایش به حل سیاسی مسئله افغانستان افزایش می یابد

سیاسی را جایگزین راه حل نظامی مسئله افغانستان سازند. حمله شدید روزنامه جمهوری اسلامی هر چند ظاهر امتوجه "نفوذی" ها در افغانستان است، اما در واقع حمله جناح تندرو خط امامی به سیاست های رفسنجانی ولایتی در قبال رویدادهای این کشور می باشد، هم رفسنجانی و هم ولایتی در دیدارهای قبلی خود با سرکردگان مجاهدین بر ضرورت برگزاری انتخابات آزاد در افغانستان و حل سیاسی مسائل این کشور تاکید کرده بودند. سیاست جمهوری اسلامی نسبت به افغانستان یکی دیگر از موضوعات مورد مناظره بین جناح های حکومتی است. نیروهای افراطی همچنان خواهان ادامه سیاست گذشته جمهوری اسلامی در مورد افغانستان و حمایت از راه های نظامی برای روی کار آوردن یک دولت افراطی اسلامی در آن کشور هستند اما رفسنجانی و وزارت خارجه آن آشکارا به راه حل سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد تمایل نشان می دهند. مجاهدین افغانی نیز در قطعنامه اجلاس اخیر خود در

سران گروه های مجاهدین افغانی که نزدیک به یک ماه است در تهران به سر می برند هفته گذشته باخامنه ای و رفسنجانی دیدار کردند. هاشمی رفسنجانی در دیدار با صیفت الله مجددی رئیس دولت موقت مجاهدین و شورشیان از اعلام موضع صریح نسبت به حل مسئله افغانستان خودداری کرد و به ابراز امیدواری برای آنکه مردم این کشور با پیروزی نهایی به خواسته های برحق خود برسند، بسنده نمود. خامنه ای در دیدار با مجددی مواضع قبلی رژیم را با صراحت بیشتری مورد تاکید قرار داد و مدعی شد که افغانستان راهی جز تمسک به اسلام ندارد. خامنه ای در این دیدار خاطر نشان ساخت که تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان یگانه نتیجه قابل قبول ۱۲ سال مبارزه در آن کشور است.

همزمان با این دیدارها روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله شماره ۲۹ آبان خود به "نیروهای نفوذی" در میان مجاهدین افغانی به شدت حمله کرد و نوشت نفوذی ها پس از باز کردن پای آمریکا و عربستان به این کشور اکنون قصد دارند راه حل

افزایش کرایه تاکسی در تهران و اعتراض مردم



به دنبال اعلام کرایه های جدید تاکسی از طرف شهرداری تهران که حکایت از افزایش فیرمنتظره آن داشت، اعتراضات مختلفی بوقوع پیوست. ابراز ناراضی تاکسی سواران که بدلیل نبود یا کمبود سایر وسائل حمل و نقل همومی، بخش قابل توجهی از مردم تهران را تشکیل میدهند در روزنامه های رژیم نیز بازتاب داشت. کرایه تاکسی های نارنجی (دارای تاکسیمتر) بیش از مقداری که رانندگان تاکسی بطور فیررسمی از مسافران دریافت میکردند افزایش یافته است.

علاوه بر نرخ تاکسی طی چند هفته اخیر قیمت های بسیاری از کالاهای خدمات افزایش چشمگیری یافته است. باز این افزایش قیمت ها را بیش از همه حقوق بگیران که در آمد کم و بیش ثابتی دارند در دوش دارند. ابراز ناراضی جمعی از این وضعیت بویژه در میان معلمان بارزتر چشم می خورد.

نمایشگاه فرهنگ و هنر در گوتنبرگ سوئد

در صفحه ۳



از آرش

سافسور

مصاحبه با حسن شریعتمداری
عضو شورای مرکزی
جمهوری خواهان ملی ایران

در صفحه ۲

مصاحبه با حسن شریعتمداری

عضو شورای مرکزی

جمهوری خواهان ملی ایران

نشریه اکثریت جهت آگاهی خوانندگان خود با مواضع و دیدگاه‌های فعالین و رهبران احزاب و سازمان‌های سیاسی ترقی‌خواه اقدام به مصاحبه‌ای با آقای حسن شریعتمداری کرده است که در این شماره درج می‌شود. آقای شریعتمداری از اعضا مؤسس حزب جمهوری خلق مسلمان ایران است که پس از اعتراضات مردم آذربایجان در آذرماه ۱۳۵۸ علیه حکومت خمینی، مدت‌ها مجبور به زندگی مخفی در ایران و سپس هدم امکان فعالیت در داخل راهی خارج از کشور شده است. وی از سال ۱۳۵۹ در خارج از کشور مقیم بود و از همان ابتدا همراه با دیگر همکاران خود به فعالیت برای تشکیل مجدد گروه‌های ملی و دموکرات مشغول شد تا بالاخره در سال ۱۹۸۴ میلادی با اعضا بیانیه موسوم به «بیانیه ۶ آذر» به تدوین منشور ایجاد سازمان جدیدی با شرکت احزاب، افراد، شخصیت‌ها، همراه با دیگر امضاکنندگان این بیانیه توفیق یافت و از آن سال به بعد و هم اکنون در شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران عضویت دارد.

پرسش: چشم‌انداز تحولات ایران را چگونه می‌بینید؟ آیا بیشتر متحول شدن و استحاله رژیم را محتمل می‌دانید یا برکناری آن را؟

پاسخ: نظر صائب و دقیقی در این باره نمی‌توان داد. مشکلات درونی رژیم و مشکلات آن در زمینه روابط بین‌المللی بسیار زیاد است. یعنی در کشورهای مثل کشورها، رژیم‌هایی که پایگاه مردمی ندارند می‌توانند با تحولات اجتماعی و سیاسی داخلی و بین‌المللی دچار دگرگونی اساسی شوند، از این رو احتمال یک

دگرگونی و تحول اساسی را نمی‌توان منتفی شمرد. ولی به هر صورت آرزوی گروه‌های دموکرات آن است که دگرگونی اساسی رژیم‌های دیکتاتوری نیز از مجرای تحولات گام به گام، سنجیده و برنامه‌های آکتیو اپوزیسیون دارای پایگاه مردمی انجام گیرد. تحولات خود بخودی، ناگهانی و یا شورشی می‌تواند مجدداً به استقرار یک دیکتاتوری جدید و یا جنگ داخلی و یا آتارشیسم دیگری منجر شود، که بعید نیست لطماتش کمتر از آنچه که این رژیم برای ایران به‌ارمغان آورده، نباشد. پیش‌بینی، کار دشواری است، ولی امید ما این است که روند تحولات ایران به سمت دموکراسی، روند گام به گام آهسته و سنجیده همراه با ابتکار عمل اپوزیسیون باشد.

پرسش: ظاهراً گام به گام حرکت کردن اپوزیسیون و تن دادن رژیم به یک رشته اصلاحات، به گونه‌ای که اپوزیسیون بتواند نقش فعالی در جنبش ایفا کند، بیشتر مورد نظر شماست، ولی با ساختار و سیاست‌های کنونی حاکمیت و بویژه برخورد اخیرش با امضاکنندگان نامه ۹۰ نفره و یا حذف بخشی از نیروهای خودی از انتخابات مجلس خبرگان، احتمال تن دادن رژیم به یک انتخابات آزاد را تا چه حد واقعی می‌دانید؟

پاسخ: پیش از ورود به بحث این توضیح را بدهم که ما انتخابات آزاد را به عنوان یک شعار محوری برای ائتلاف اپوزیسیون یا یک شعار ناشی از ضرورت‌های بین‌المللی نمی‌بینیم، بلکه آن را نوعی استراتژی می‌دانیم که اعتبار و اهمیت خود را حتی بی‌ارتباط با تحولات رژیم هم داراست. برای روشن شدن قضیه من به جنبه سلبی قضیه می‌پردازم. فرض کنیم که

انتخابات آزاد قابل تحقق نباشد، حال بینیم بدیل دیگری که زاینده دموکراسی باشد، وجود دارد؟ بدیل دیگر، مبارزه مسلحانه است، زیرا که شورش و اعتصاب مردم تنها در خدمت یکی از این دو استراتژی‌های مهمانی یابد. بهر رو استراتژی‌های مستقل دو تا بیشتر نیستند، یا آنچه که ما آن را مبارزات مسالمت‌آمیز می‌نامیم و یا آنچه که مبارزات مسلحانه و خشونت‌آمیز نامیده می‌شود. این آلترناتیو دوم به دو دلیل نمی‌تواند مورد انتخاب ما باشد: اولاً از مبارزات مسلحانه تاکنون دموکراسی در جایی زاینده نشده، ثانیاً مبارزات مسلحانه در ده سال اخیر، حتی فرضاً اگر استقرار دموکراسی را هم شعار خود قرار می‌داد، به نتیجه چندانی نرسیده جز آنکه بهترین و فعالترین کادرهای سازمان‌های معتقد به این روش را دسته دسته تسلیم رژیم کرده و به نیستی و نابودی کشانده است. در مورد جنبه‌ایجابی قضیه باید گفت که یک گروه دموکرات اصولاً نمی‌تواند مخالف آزادی انتخابات، آزادی مطبوعات و احزاب باشد، یعنی صرف‌نظر از اینکه در رژیم کنونی امکان تحقق انتخاب آزاد هست، تنها همین امر که انتخابات آزاد، آزادی احزاب و آزادی مطبوعات اولین پیشرفت مرحله‌ای نیروهای دموکرات در برابر رژیم‌های دیکتاتوری است، ما را و امیدارد که در این راه مبارزه کنیم. اینکه این مبارزه کی به ثمر می‌رسد، واضح است که در مقابل رژیم‌های که جز خشونت ابزار دیگری ندارند و آسانترین روش آن در رویارویی با مشکلات اهدام و حذف فیزیکی مخالفان بوده، پیشبرد چنین استراتژی آسان و کاریک روز و دو روز نیست. ما البته برخلاف کسانی که رژیم را در برابر ضرورت‌های بین‌المللی به پذیرش

انتخابات آزاد ناچار می‌بینند، دچار پندار و توهم نیستیم. یعنی فکر نمی‌کنیم که تحولات بین‌المللی الزاماً در رژیمی مثل رژیم ایران اثر فوری و قاطعی داشته باشد و مثل رژیم‌های بلوک شرق آن را در کوتاه‌مدت به تمکین به انتخابات آزاد وادار کند. ولی بر این باوریم که بن‌بست اقتصادی کنونی و بی‌نظمی جامعه و جنگ قدرت در درون رژیم برای او هیچ راهی جز باز کردن دریچه‌های یک اقتصاد نسبتاً لیبرال و همچنین تأسیس یک دولت متمرکز باقی نگذاشته است. و اگر این دو پدیده در کنار ضرورت و سیاست نزدیکی به قرب گذاشته شود به ما این چشم‌انداز را می‌دهد که مقدار زیادی رفتارسیاستی رژیم هم باید از حالت بی‌نظمی، بی‌منطقی و بی‌قانونی، (حتی در چارچوب قوانین ظالمانه خودشان) خارج شود و این اولین جوانه‌های رشد یک چنین استراتژی در دامن یک جامعه دیکتاتوری است. اینکه اپوزیسیون ایران تا چه حد بتواند مبارزات خود را با خواسته‌های بلاواسطه مردم پیوند دهد و آزادی انتخابات، احزاب و مطبوعات را به آنها تفهیم و گوشزد کند، کاری است که نیازمند سازماندهی، تبلیغات و بسیج یک اپوزیسیون قوی، ملی و دموکراتیک است که ما امیدواریم با یکپارچه کردن نیروهایی از اپوزیسیون که به این راه معتقدند به این هدف برسیم.

پرسش: آیا فکر نمی‌کنید که فاصله‌گیری رژیم از سیاست‌های کنونی، به گونه‌ای که تشدید فعالیت اپوزیسیون را هم در پی داشته باشد، بیش از همه در گرو کم‌رنگ شدن خصلت مذهبی و تئوکراتیک آن است؟ و اگر پاسخ مثبت است، با توجه به تجارب ده سال اخیر امکان چنین تحولی در رژیم را تا چه میزان واقعی می‌دانید؟

پاسخ: به نظر من رژیم حاکم بر ایران از ایده‌ایجاد یک حکومت آرمان سالار یا آیین سالار به حکومت چند باند قدرت در مملکت تکوین یافته همان ابتدا نیز این اندیشه انحصارطلبانه ماورا هرگونه آیین سالاری محور اصلی نوع تشکیل عناصر قدرت در رژیم حاکم بود. جناح رنسانسجانی این حقیقت را درک کرده که برای ماندن در اریکه قدرت باندازه کافی از هواطف مومنین استفاده شده و دیگر توقع معجزه چندانی از این امامزاده نیست، لذا باروی آوری به راه‌حل‌های همومی و تاحدی دیوان سالارانه مسائل در صدد متمرکز ساختن قدرت در دست جناح خود است. این وضعیت در صورت موفقیت که در آن میتوان بسیار شک نمود، تحول رژیم را به یک دیکتاتوری کلاسیک در پی دارد که ملاطی رقیق از مذهب نیز چاشنی آن خواهد بود. بهر حال چه در صورت یکپارچه شدن رژیم و چه در صورت وجود جناح‌های مخالف در آن چیزی بنام بازگشایی‌های سیاسی در دستور کار آن نیست و باید بوسیله مبارزات مردمی به آن تحصیل شود.

پرسش: در شرایط فعلی «انتخابات آزاد» تا چه حد مسئله مردم است؟ به عبارت دیگر آیا اپوزیسیون میتواند در کوتاه مدت تنها با طرح این شعار حمایت و پشتیبانی مردم را به دست آورد؟

پاسخ: این استراتژی

اگر به اندازه کافی مورد تبلیغ قرار گیرد و به اندازه کافی زمینه داخلی پیدا کند، می‌تواند یک روزی حالت بسیج‌کنندگی داشته باشد. ولی به نظر من این در دستور کار بلافاصله امروز اپوزیسیون و مردم ایران قرار ندارد. اگر واقع بین باشیم، امروز خواسته‌های اساسی مردم ایران خواسته‌های رفاهی است که به زندگی روزمره آنها مربوط می‌شود. زیرا پس از سالها کمبودهای رفاهی، اکنون که از سوی جناحی از رژیم و عده‌هایی در زمینه بهبود زندگی مردم داده میشود، آنها بی‌صبرانه منتظرند تا ببینند که چه میزان از این وعده‌ها عملی می‌شود. اگر جناحی از رژیم قادر شده که حمایت نسبی مردم را (البته در تئاس با جناح دیگر) بدست آورد، قطعاً به خاطر علاقه مردم به شکنجه گران و قاتلان قتل خودشان نیست، بلکه صرفاً بخاطر آن است که مردم میان دو بدیل موجود، آن را که بر ایشان مقداری رفاه بیاورد، انتخاب می‌کنند. در واقع امروز مردم در وضعیتی نیستند که از این خواسته‌های رفاهی بگذرند و به خواسته‌های سیاسی و اجتماعی همتا و کلی‌تری مثل دموکراسی، آزادی بیان و... بپردازند. ولی به هر صورت شکی نیست که پس از برآورده شدن اندکی از خواسته‌های رفاهی بلافاصله بخش آگاه‌تر جامعه به طرح خواسته‌های سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و هیچ رژیم دیکتاتوری نمی‌تواند مرز قاطعی میان خواست‌های رفاهی، صنفی و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی بکشد و خواه ناخواه اگر اپوزیسیون بتواند در بین این خواسته‌ها فصل مشترکی پیدا کند، می‌تواند از هر کدام آنها به دیگری پل بزند.

پرسش: آیا انجام آن حداقل اقدامات رفاهی مورد نظر شما که بتواند مردم را تا حدودی از فکر معاش معاف کرده و زمینه‌ساز توجه آنها به مسائل سیاسی و اجتماعی شود، در توان آن جناح رژیم که شعارهای رفاهی سر میدهد، هست؟

پاسخ: پاسخ به این سوال بیشتر در گرو اتفاقات، وقایع و فراست داخلی جناح‌های رژیم می‌باشد، و قابل پیش‌گویی نیست. ولی به گمان من حداقل جناحی از رژیم خواستار خروج از بن‌بست اقتصادی، انزوای بین‌المللی و بی‌نظمی داخلی است. البته این جناح به هیچ وجه قصد دادن آزادی‌های سیاسی را ندارد، و مثل هر دیکتاتوری خیال می‌کند انجام خواسته‌هایشان بدون توجه به مسائل دموکراتیک ممکن است. در حالی که تجربیات پیشمار کشورهای مختلف نشان داده است که لیبرالیسم اقتصادی و اختناق سیاسی در درازمدت نمی‌تواند با یکدیگر سازگار باشند. فراموش نکنیم که قبول امر انتخابات آزاد، آزادی احزاب و مطبوعات قبل از آنکه در رژیم تأثیر بگذارد، باید اثر فلسفی خود را در طرز سلوک و تفکر و حرکت سیاسی اپوزیسیون گذاشته و آن را از یک اپوزیسیون غشایی و قهریه اپوزیسیون واقعیت‌گرا و سازنده و پذیرنده و هم‌زیستی تبدیل نماید تا زمینه نفوذ در مردم و تأثیر در رژیم فراهم شود.

پرسش: این سوال هم بی‌ارتباط با سوال پیشین نیست. اخیراً در نشریه شما از انتخابات آزاد به عنوان محملی یاد می‌شود که بر اساس آن نیروهای سیاسی معتقد به دموکراسی و از جمله

جریان‌هایی در درون حاکمیت موجود می‌توانند در تعیین سرنوشت کشور دخالت فعال داشته باشند. در همین رابطه به‌طور مشخص کدامند و چه موضعی را نمایندگی می‌کنند؟

پاسخ: اشاراتی که در نشریه ما آمده است، تا آنجایی که من میدانم به‌طور عمده متوجه جناح‌های حاکمیت نیست. رژیم ایران فقط از امر و حکما تشکیل نشده، بلکه دارای بدنه وسیعی است که مانند همه ما ایرانی‌ها هستند و این تحولات فکری که در همه ما بعد از انقلاب به وقوع پیوسته تنها گریبانگیر بخشی از جامعه نبوده است. این تحولات سیاسی کمابیش دامن هر ایرانی سیاسی و غیر سیاسی را گرفته و رژیم حاکم بر ایران به مثابه مهمترین یا بزرگترین نیروی سیاسی جامعه نمی‌تواند از این تغییر و تحولات فکری در امان باشد. البته کسانی که در رهبری هستند و منافع بیشتر و یا جرایم حقوقی بیشتری را برای خود فرض می‌کنند، آخرین کسانی هستند که به این تحولات فکری گردن می‌گذارند. ولی میلیون‌ها انسان به عنوان کارمند، مدیر کل و یا استاد دانشگاه و به عنوان کسانی که آپارات این نظام سیاسی بر دوش آنها و به توان فکری آنها متکی است، حداقل می‌دانند که در صورت استقرار دموکراسی در ایران هیچ نوع خطر بنیادی تهدیدشان نمی‌کند. و در واقع این‌ها نیروهایی هستند که باید به‌طور جدی به حساب آورده شوند.

پرسش: همگام با تحولات فکری سالی اخیر در نیروهای اپوزیسیون مذاکره، گفتگو و اتحاد عمل هم در میان بخشی از آنها سامان و شدت بیشتری یافته است. جمهوری خواهان ملی ایران به رغم شرکتشان در این گفتگو و مباحثات، کمتر با نیروهای دیگر اقدام مشترک و اتحاد عمل داشته‌اند. چه دلایل و عواملی در این رابطه دخیل بوده‌اند؟

پاسخ: در این زمینه یکی، دودلت را میتوان ذکر کرد. اولاً جمهوری خواهان ملی در درون خودشان بحث‌های زیادی داشته‌اند. مثلاً بحث بر سر آن بوده است که با کدام استراتژی باید به پای همگامی و اتحاد عمل با سایر نیروها رفت. تعیین این استراتژی مدت زیادی وقت می‌گیرد. هر نوع نزدیکی و اتحاد به نظر ما نمیتواند درازمدت و مفید باشد. یک جامعه کثرت‌گرا از نیروهای مختلف سیاسی تشکیل میشود و نزدیکی و همگامی سیاسی بر اساس خط مشی و استراتژی واحد بین سازمانهای سیاسی مختلف کار معقولی است. بنابراین اولین مشکل ما تعیین، تبلیغ و پیشبرد یک استراتژی بوده است که فکر میکنم که هم در تعیین و هم در تبلیغ این استراتژی توفیق به دست آورده‌ایم. از سوی دیگر مشکل تحولات و دگرگونیها در نیروهای دیگر اپوزیسیون مانع ما بوده‌اند. زیرا معلوم نبود و نیست که تاکی این تحولات سریع و پیاپی ادامه خواهد داشت و تاکی بحث و گفتگو داخلی آنها به یک ثبات سیاسی نسبی در میان آنها می‌انجامد. ولی بعنوان یک پرنسبب مامواره در پی اتحاد، همکاری و بزرگتر شدن نیروهای سیاسی بودیم. امیدواریم حالا که وضع داخلی ما روشنتر و استراتژی ما هم معین شده و هم میان سایر نیروها هم این بحث‌ها با شدت بیشتری جریان دارد، این همکاریها صورت عملی معینی به خودگیرد.

بقیه در صفحه ۷

انتشار دومین گزارش گالیندوپل درباره حقوق بشر در ایران

بقیه از صفحه ۲

و می‌تواند شکنجه شوند بهمین خاطر آنها از افشای هویت خود خودداری می‌کنند و عناوین واقعی خود را پنهان نمی‌آورند.

گالیندوپل مورد مخالفت‌های اسلامی اظهار نموده است که ۴ تن از زندانیان با پذیرش خطر حاضر به گفتگو با او در زندان گوه‌ر دشت شده بودند ولی مقامات حکومتی مانع این دیدار شدند.

این دومین گزارش گالیندوپل در مورد نقض حقوق بشر در ایران است. اولین گزارش گالیندوپل حدود ۱۱ ماه پیش منتشر شد. رژیم جمهوری اسلامی بخش‌هایی از گزارش را که بسود خود یافته بود، منتشر کرد و کوشید از آن برفع خود بهره

برداری کند. این بار گویا گزارش گالیندوپل بمذاق سران حکومت خوش نیامده است. وزارت خارجه رژیم اعلام کرده است که گزارش گالیندوپل ارزش‌های اسلامی را که شکل دهنده قوانین جمهوری اسلامی است نادیده می‌گیرد و ایران نباید از یک زاویه غربی مورد ارزیابی قرار گیرد. وزارت امور خارجه گالیندوپل را متهم کرده است که به فشار سیاسی کشورهای غربی و گروه‌های مخالف تسلیم شده است.

اقدامات، حقایق بیشتری در گزارش در مورد نقض حقوق بشری و سیاست‌های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی منعکس شده است. عکس العمل رژیم، این واقعیت را نشان میدهد، دفعه قبل که رژیم جمهوری اسلامی توانست از گزارش گالیندوپل بهره برداری سیاسی بکند، صحبتی از ارزش‌های اسلامی، بیان نیاورد و زاویه غربی را مطرح نکرد. آنچه مسلم است تلاش‌های فریبکارانه رژیم نتوانسته و نخواهد توانست، چهره رسوا و تنگین او را بپوشاند. مردم کشورهای دیگر بر اثر اقدامات سازمانهای بین‌المللی طرفدار حقوق بشر و مبارزات نیروهای مترقی و آزادیخواه ایران، شناخت بیشتری از سیاه‌کاری و ضد بشری جمهوری اسلامی پیدا میکنند.

نمایشگاه فرهنگ و هنر در گوتنبرگ - سوئد



از آرش

جنگ

مضمون نمایشگاه بعد و کیفیت جدیدی بخشید. بخصوص آنکه در بخش دوم سخنرانی ایشان، شرکت کنندگان، که عمدتاً پدران و مادران دانش‌آموزان و آموزگاران زبان پارسی بودند، در بحث شرکت کرده و نسبت به موضوعات مختلف به گفتگو و تبادل نظر نشستند.

این نمایشگاه به همت "جمعی از آموزگاران زبان پارسی - شهر گوتنبرگ" برگزار گردید. در طول ۵ روز برگزاری این نمایشگاه حدود ۱۰۰۰ نفر سوئدی و ایرانی از آن بازدید کردند.

گزارشی از: م. ک.

این گزارش علاوه بر نشریه اکثريت برای برخی دیگر از نشریات ایرانی خارج از کشور، از جمله کیهان لندن، ایران تایمز، راه آزادی و ایران آزادارسال شده است.

چهره سرنوشت تمامی مهاجرین سرتاسر جهان است، برایش غیرقابل تصور بود. ویک سوئدی در مورد مجسمه "سانسور" چنین نظر داد: "مفهوم اینکار مرا بیاد حکومت‌های قرون وسطی می‌اندازد." و یا آقای محمد، هموطن گرامی مادر دفتر نظرات و انتقادات چنین نوشته‌اند:

"نمایشگاه نقاشی کودکان به نظر من تشنگترین کاری بوده که توسط آموزگاران پارسی زبان انجام شده دست مرزبان، من در ابتدای ورود تحت تاثیر قطعه پنهانده آقای آرش قرار گرفتم و بعد در میان دنیایی از شور و احساس بچه‌ها قرار گرفته و از احساس وطن پرستی اکثر آنان چنان متأثر شدم که بی‌اختیار قطرات اشک بروی گونه‌ام منتقلید...."

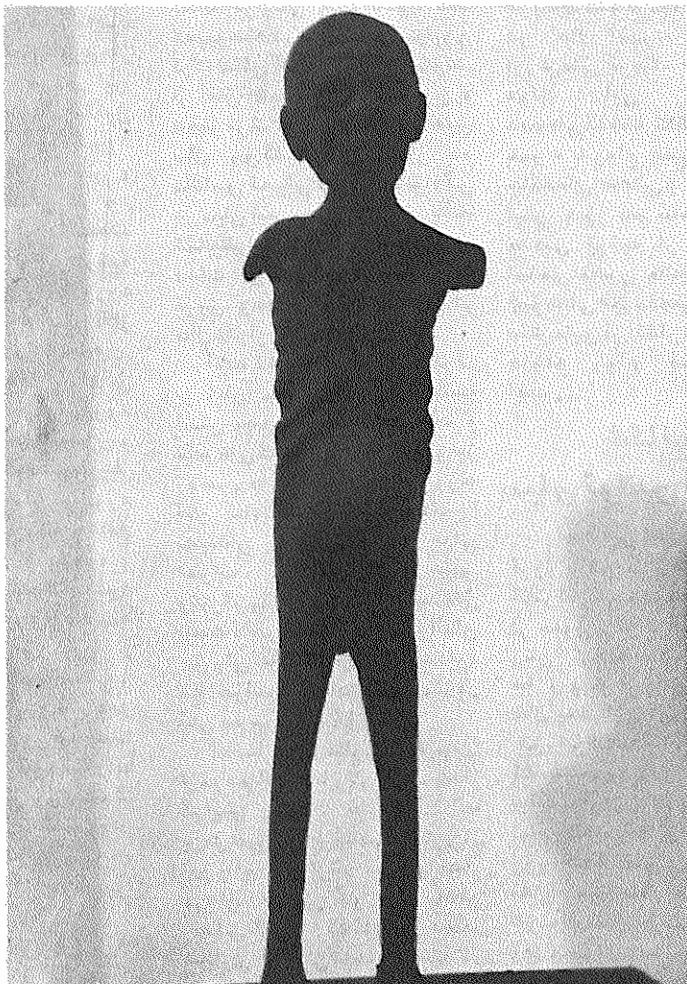
در روز پایانی نمایشگاه سخنرانی، شاهر و آموزگار خانم مینا اسدی در زمینه مسائل و مشکلات دانش‌آموزان مهاجر به

از تاریخ ۲۹ اکتبر تا ۲ نوامبر مهاجرین و شهروندان سوئدی، نظارتگر آثار هنری در گالری نمایشگاه

Forum Borsen در شهر گوتنبرگ سوئد بودند. آثار یادشده ترکیبی بود از نقاشی، مجسمه و کتاب. نقاشی‌های دانش‌آموزان ایرانی - مدارس شهر گوتنبرگ، کتب هنری و ادبی به زبان فارسی و مجسمه‌های موضوع گونه "آرش اسلامی" همه آثار بیان‌کننده شرح و حال اجتماعی و سیاسی ایران بود. در اکثر نقاشی‌های دانش‌آموزان طرح‌هایی از "هواپیمای بمب افکن"، "پرچم ایران"، "کبوتر صلح" و یا "آفتاب" دیده می‌شد.

و آرش از ترکیب زنی هراسان، خمیده، با نوزادی در بغل، که از ترس بمباران هوایی بدن‌بال پناهی بود، پدیده دهشتناک جنگ را به نمایش می‌گذاشت.

خانم آلمانی بازدیدکننده، بادیدن مجسمه "پنهانده" گریه سرداد. گویا تصور اینکه این



گرسنگی

در صورت تصویب یک قطعنامه جدید

شورای امنیت اعمال قهر علیه اشغال کویت را مجاز اعلام می‌کند

بقیه از صفحه اول

است، از دو بخش تشکیل می‌شود. در بخش نخست، طی اولتیماتومی به عراق، مهلتی برای تخلیه کویت تعیین می‌گردد. در بخش دوم، همه "تدابیر لازم" در صورت عدم تسلیم شدن عراق به اولتیماتوم، مجاز اعلام می‌شود.

شبکه تلویزیونی ای. بی. سی. آمریکا هفته گذشته نتایج یک نظرخواهی را منتشر کرد که به موجب آن، بسیار کمتر از نصف نمایندگان کنگره آمریکا در صورت عدم تاثیر تحریم‌ها علیه عراق، با کاربرد قهر علیه این کشور موافقت. از ۳۶۷ سناتور عضو مجلس نمایندگان که در این نظرخواهی شرکت کرده‌اند، ۴۲ درصد از اقدام نظامی جانب‌داری کردند، در حالی که ۲۱ درصد آنان مخالفت ورزیده‌اند. ۳۷ درصد

هنوز تردید دارند. از سوی دیگر، ۴۵ تن از نمایندگان کنگره با مراجعه به دادگاه می‌خواهند از آغاز جنگ علیه عراق بنا به تصمیم رئیس جمهور و بدون موافقت پارلمان، جلوگیری کنند. یک مقام "دولت در تبعید" کویت گفته است که برای بیرون راندن عراق از کویت استفاده از سلاح‌های اتمی نیز بجا خواهد بود. شیخ ناصر الصباح وزیر مشاور در امور خارجه طی مصاحبه‌ای با یک شبکه رادیویی در استرالیا در پاسخ به سؤال یک خبرنگار که "آیا از بکارگیری سلاح‌های اتمی ناراحت نخواهید شد؟" گفت: "اگر این کار برای اجرای قوانین بین‌المللی صورت گیرد، به هیچ وجه." دولت عراق برای کسانی که دست به انبار کردن موادغذایی برنند، مجازات اعدام تعیین کرد. اقدام مشمول این مقررات عبارتند از گندم، آرد، برنج، جو و ذرت.

گرایش به حل سیاسی مسئله افغانستان افزایش می‌یابد

بقیه از صفحه اول

تهران ضرورت برگزاری انتخابات آزاد در آن کشور را مورد موافقت قرار داده‌اند. دولت افغانستان خواهان برگزاری انتخابات توسط دولت کنونی و تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی است. در قطعنامه مجاهدین از اظهار نظر پیرامون این موضوع خودداری شده است، رفسنجانی و وزارت خارجه آن نیز در این زمینه موضع آشکاری اتخاذ نکرده‌اند و به همین جهت نمی‌توان از تغییر سیاست

رسمی رژیم جمهوری اسلامی نسبت به کشور همسایه سخن گفت. اما این احتمال که رفسنجانی با توجه به نزدیکی‌های روزافزونی به غرب از راه حل‌های افراتی و اسلامی فاصله بگیرد و بیش از پیش در جهت توافق با پاکستان و آمریکا به تنظیم سیاست‌های دولت خود در مورد افغانستان اقدام کند، یک احتمال واقعی است. گفته می‌شود که یکی از موضوعات مورد گفتگو در سفر تریپ الیوت نخست وزیر جدید پاکستان به تهران هماهنگی سیاست‌های ایران و پاکستان در مورد مسائل افغانستان می‌باشد.

شایعه افزایش حقوق موجب گرانی بیشتر شده است

هاشمی رفسنجانی طی بخشنامه‌ای به تمامی وزارتخانه‌ها، نهادهای سازمان‌های دولتی دستور داد از اتخاذ هر گونه تصمیمی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به افزایش قیمت محصولات و خدمات گردد اکیدا خودداری کنند. در این بخشنامه گفته شده که پیشنهاد ارتگان‌ها همراه با توجهات کامل اقتصادی باید به شورای اقتصاد احاله شود. مواردی که با استفاده از ارز آزاد یا ارز رقابتی تولید می‌شوند و موارد خاصی که شورای اقتصاد در گذشته از قیمت گذاری معاف داشته، مشمول بخشنامه نخواهد شد. رفسنجانی در این بخشنامه مدعی شده که این تصمیم در جهت اجرای اهداف برنامه اول دولت و مهار تورم اتخاذ شده است.

یکی از دلایل جدی نزول شان این قطعنامه همین نکته آخر مورد اشاره یعنی مهار تورم است که رفسنجانی اخیراً مدعی شده بود در مورد آن دولت به موفقیت‌های بزرگی رسیده است. گرانی کمر شکن در ماه‌های اخیر بویژه با وعده‌های گنگ و چندپهلوی مقامات اقتصادی دولت در مورد افزایش حقوق‌ها زمینه باز هم بیشتری یافته است. خبر "تعیین جدول حقوقی کارمندان" و اظهارات رئیس کمیسیون اموراداری و استخدامی مجلس در باره تغییر در نظام پرداخت حقوق کارمندان که از سطح

وعده‌هایی نظیر "دگرگونی کلی در حقوق و مزایا" و "تدوین ضوابط سیستم‌های خاص" اثرات نرخت، باعث شد که زمینه برای جهش تازه قیمت‌ها فراهم شود. بطوریکه داد نمایندگان مجلس نیز در آمد، نماینده نورو محمود آباد در جلسه ۲۳ آبان مجلس گفت: بنوعی مصاحبه کردید و وضع کارمندان را خراب کردید. توای کاسب بدان که هنوز هیچ چیز به جیب کارمندان نرفته و تو بی خود اجناس را گران کرده‌ای! شما مسئولان باید هر وقت به کارمند چیزی دادید بیان کنید.

موضوع افزایش قیمت‌ها بار اثر و وعده‌های مبهم چنان جدی شد که سخنان فوق در پیشانی سر مقاله روزنامه اطلاعات نیز درج شد و عطاالله مهاجرانی یار نزدیک رفسنجانی هم زبان به اعتراض گشود که اول حقوق‌ها را افزایش بدهید و بعد آنرا اعلام کنید! نمایندگان مخالف دولت هم‌زمان باین مصاحبه‌ها طرحی در جهت ممنوعیت دولت برای افزایش خدمات و کالاها به مجلس بردند که یک فوریت آن به تصویب رسیده است.

لازم به یادآوری است که چندی پیش نیز جریان مشابهی اتفاق افتاد، وعده و وعده‌هایی در مورد افزایش حقوق‌ها داده شد، قیمت‌ها گران شد و بعد همه چیز حاشاگردید!

گردهمائی رهبران ۳۴ کشور در پاریس

بقیه از صفحه اول

کشورهای کثیرالمله مانند شوروی، یوگسلاوی، چکسلواکی و اسپانیا تشخیص داد. برای بررسی این مسائل قرار است در ژوئیه ۱۹۹۱ در سطح کارشناسان کشورهای عضو کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، اجلاسی در ژنو تشکیل شود.

اجلاس پاریس از وحدت آلمان ابراز خشنودی کرد. در بیانیه اختتامیه اجلاس آمده است اقتصاد بازار، مبنای اقتصاد کشورهای اروپا و همکاری میان آنها را تشکیل خواهد داد. این بیانیه، به کارگیری تکنولوژی پیشرفته و اخترا از تولید زیاده را برای حفظ محیط زیست، از اهداف درجه اول کشورهای عضو دانسته است. پیش‌بینی شده است که در این زمینه به کشورهای فقیرتر، کمک شود.

برای نخستین بار، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا تصمیم به تشکیل نهادهای دائمی گرفت. این ارگان‌ها عبارت خواهند بود از شورای وزیران خارجه، کمیته ماموران عالی‌رتبه، دبیرخانه‌ای که در پراگ مستقر خواهد شد، مرکز پیشگیری از بحران‌ها در وین و دفتر نظارت بر انتخابات آزاد در ورشو.

یکی از مسائل مورد بحث کنفرانس پاریس، چگونگی جلوگیری از مهاجرت از کشورهای فقیر شرق اروپا به اروپای غربی در صورت ایجاد تسهیلات بیشتر جهت رفت و آمد و عبور از مرزهای درون اروپا بود. کنفرانس در این مورد به نتیجه معینی دست نیافت و قرار شد کارشناسان به بررسی راه‌حل‌های این مسئله بپردازند.

شلاقی برگرده، بچه‌ای در شکم

آنچه که در خانواده های سنتی ترکیه بر زنان می‌گذرد، ریشه در همان دیدگاه‌های زن ستیز جمهوری اسلامی دارد

پدران مهاجم و بدرفتار در زندگی آنها پدیده‌ای هادی است.

کارین کونینگ، جامعه‌شناسی که هر صبح کارش زندگی خانواده‌های ترک است، می‌گوید: "زنان ترک در جامعه آلمان به اقلیتی حاشیه‌ای و فراموش شده تبدیل شده‌اند که در چهار دیواری‌های خویش مرگ روزمره و بی‌سرو صدایی را تجربه می‌کنند." به‌باور برخی از مددکاران اجتماعی افشاری و روشن سازی ذهن همومی مردم آلمان نسبت به وضعیت زنان ترک نتایج مثبتی نخواهد داشت، زیرا که آشنایی آنها با این مسئله تنها گرایش ضد خارجی را تشدید کرده و مردان ترک به آماج اصلی این گرایش بدل خواهند شد.

همچون از خونی‌ریزی‌های دیگر در میان خانواده‌های ترک، مثل فکریه نیز از دیدگاه و نگرش‌های سنتی درباره ازدواج و رابطه زن و مرد نشأت می‌گیرد. در این دیدگاه زنان پیوسته تقصیرکار و مردان هاری از تقصیرند، و گرنه میتوان پرسید که چرا به جای فکریه، علی به قتل نرسید. به گفته دیگر این فرهنگ واپس‌گرا و متحجر بیشتر از همه گریبان زنان را می‌گیرد. کارکرد و پیامدهای این فرهنگ به گونه‌ای است که بسیاری از زنان ترک پس از سالها اقامت در آلمان هنوز هم از تماس هادی و ضروری با محیط پیرامون خود هاجز و در انجام امورات هادی و بیرون از خانه خویش معمولاً به کمک دیگران نیازمندند. پژوهش‌های مربوط به وضع زنان ترک در آلمان حاکی از آنند که مشکلات زنان ترک در آلمان بیشتر از همه خارجیهایی دیگر است.

درواقع از خانواده‌های ترک ساکن آلمان از محیط سنتی - مذهبی ترکیه‌کننده شده و به یکباره در محیطی با معیارها و ارزش‌های فرهنگی متفاوت قرار گرفته‌اند. گرچه جامعه ترکیه از سالها پیش در حال تجربه معیارها و ارزش‌های فرهنگ غربی بوده و دولت این کشور در دهه‌های گذشته تلاش ورزیده که همراه با رواج چنین ارزش‌هایی جامعه‌ای صنعتی و مدرن بسازد، لیکن هنوز هم ساختار سنتی - مذهبی ترکیه از دگرگونیهای اساسی مصون مانده و فرهنگ شیوه‌های غیرمذهبی جز در میان بخش‌هایی از انتشار میانی و بالایی جامعه رواج چندانی نیافته است...

شکاف

میان قوانین و واقعیت

راست این است که از دهه ۲۰ قرن حاضر از رهگذر اصلاحات آتاترک زنان و مردان ترکیه قانوناً از حقوق برابر برخوردار شده‌اند. زنان ترکیه سال ۱۹۳۴، ۱۰ سال پیش از زنان فرانسه و ۱۸ سال پیش از زنان یونان، صاحب حق رای شدند؛ و این نکته‌ای است که سیاستمداران ترکیه گاه و بیگاه به آن می‌بالند و فخر می‌کنند. اما واقعیت‌ها با قوانین نوشته روی کاغذ تفاوتی بارز و آشکار نشان می‌دهند. درواقع برخی از ضرب المثلهای ترکی در باره روابط زن و مرد معتبرتر و صائب‌تر از قوانین اند. یکی از این ضرب‌المثلهای می‌گوید: "مرد

گوشه‌ای از پارک جنگلی مونخ سروصدای پرندگان با ناله زنانه‌ای در هم آمیخته است. رهگذران گوش می‌دارند و با پی‌گرفتن رد ناله به جایگاه واقعه می‌رسند. آنکه خونین بر زمین افتاده، فکریه است، دختری شانزده ساله از خانواده‌ای ترک.

فکریه مسیتوگلو دلبسته پسر کردی است به نام علی و خواهان ازدواج با او. خانواده مسیتوگلو اما مخالف این ازدواجند و اصرار نمی‌برد. از این رو علی و فکریه بر آن می‌شوند که با پنهان شدن در خانه یکی از نزدیکان خانواده را برای اعلام موافقت زیر فشار گذارند. ولی محمد، برادر فکریه، نهانگاه آنها را می‌یابد به آنجا رفته و با لحنی مهربان به فکریه می‌گوید: "بابا و ماما بخاطر سعادت تو به ازدواج با علی رضایت داده‌اند. حالا بیا برای خرید لباس هروسی به شهر برویم." فکریه ناباورانه محمد را می‌نگرد و از رفتن با او سرباز می‌زند، اما صرار محمد او را سست پا می‌کند و سرانجام راه می‌افتد. محمد ابتدا برای آنکه فکریه شکی نبرد، به سوی شهر می‌راند، ولی نزدیکی‌های شهر می‌پیچد و راه پارک جنگلی را در پیش می‌گیرد. آنجا با بیرون کشاندن فکریه از ماشین وی را بر زانو نشاند و بایک تیر نقش زینش می‌کند. در راه گریز به مادر رنگ می‌زند و می‌گوید: "او آبروی خانواده ما را برده بود." از آن زمان دیگر آفتابی نشده است. پلیس مونخ به زودی حدس می‌زند که وی در این ماجرا احتمالاً تنها نبوده است. دو ماه پس از قتل فکریه پلیس به پدر وی مشکوک شده و او را دستگیر می‌کند. به گمان پلیس وی اگر نه در قتل، دستکم در طراحی آن دست داشته است.

نمونه‌ای نه چندان نادر

مرگ زود هنگام فکریه یکی از صدها تراژدی خانوادگی است که پیوسته در میان ۱/۶ میلیون ترک ساکن آلمان تکرار می‌شوند. از آغاز اقامت ۷۵۰ هزار زن و دختر ترک در آلمان اینک چندین سال می‌گذرد، اما هنوز هم هنگامی که پای مسائل خانوادگی در میان آید، برخورد مردان با آنها کمابیش بسان رفتار و آداب در دهات ترکیه است. گویی که قرون وسطی در قلب اروپا در حال تکرار شدن است. آنچه که در خانواده‌های ترک بر زنان می‌رود، برای آلمانیها کمتر مهم و توجه‌انگیز است و لباس‌های ضخیم و سرپاپوش و نیز روسری‌های کلفت و بی‌روزنه آنان که پیوسته همچو و متلک را نصیبشان می‌سازد، هم برای احزاب و اتحادیه‌های صنفی و کارگری مسئله برجسته‌ای نیست. آخر زنان ترک که در آلمان حق رای ندارند، پس چه فایده دارد که احزاب و اتحادیه‌ها به مسائل آنان هم بپردازند؟ اهانت و بدرفتاری بخش‌هایی از مردم آلمان با زنان ترک که از گرایش ضد خارجی آنها برمی‌خیزد، و بی‌پناهی بسیاری از این زنان در برابر زور و فشار مردان خویش دو وجه اصلی زندگی آنان را تشکیل می‌دهند. بسیاری از زنان ترک پیوسته در معرض ضرب و شتم مردان خویش قرار دارند و ترس از شوهران و

هفته‌نامه اسپیکل در شماره اخیر خود از وضعیت زنان ترک در آلمان گزارش درنگ‌انگیز و تکانه‌های منتشر ساخته، که در کلیت خود انشاگر مبانی و باورهای زن ستیز جمهوری اسلامی نیز هست. گزارش گرچه از دید یک ناظر خارجی نوشته شده، اما حاوی واقعیات بسیاری است که نه تنها در خانواده‌های ترک، بلکه کمابیش در جامعه ما نیز جزئی از زندگی جاری و روزمره‌اند. زنان ما نیز از رهگذر دیدگاه‌ها و سیاست‌های متحجر جمهوری اسلامی روزگار بهتری ندارند و زندگی آنها نیز از رنج‌ها، بی‌حقوقی‌ها، بدرفتاری‌ها و بی‌پناهی‌ها آکنده است.

تجربه ترکیه اما نشان میدهد که مسائل زنان در جامعه ما نیز تنها با برکناری رژیم جمهوری اسلامی برطرف نخواهند شد. با رفتن این رژیم گرچه بارگرانی از دوش زنان برداشته خواهد شد، لیکن تاحل نسبتاً کامل مسائل آنان راه درازی در پیش خواهد بود. واقعیت این است که رها شدن زنان از رنج‌ها و نابرابریها و فرارو پیدن آنها به انسانی خودآگاه، فعال و برابر حقوق در همه عرصه‌های اجتماعی نه‌بازور، نه با قوانین خشک و خالی و نه باشعاری تجربه‌ی و پرآب و رنگ فمینیستی دست یافتنی نیست. لازمه این امر آموزش و سوادآموزی فراگیر، گسترش امکانات تحصیلی و کارآموزی زنان و ایجاد محل‌های مناسب کار و اشتغال برای آنها، ارتقای سطح فرهنگ همومی و پرورش روح تفاهم و همبستگی در جامعه، اشاعه ارزش‌ها و معیارهای نوین بجای باورها و سنن متحجر و اسارت زانو نیز وضع قوانینی است که خود زنان بیش از همه به اهمیت و ارزش آنها واقف و آگاه باشند. پیداست که چنین فرآیندی کار سالها و دهه‌هاست و جنبش چپ و دمکراتیک ایران در این

راستاراه دراز ووظایفی دشوار پیش‌رو دارد. باری، در دهه ۶۰ سده حاضر، هنگامی که اقتصاد آلمان غربی از رهگذر سختکوشی مردم این کشور و تزریق دلارهای آمریکایی به رونق و شکوفایی رسید، کمبود نیروی کار به مشکلی اساسی و بازدارنده بدل شد. همین امر بود که دولت آلمان را بر آن داشت که از نیروی کار فراوان ترکیه بهره‌گیرد. در همین راستا ورود هزارها خانواده ترک به آلمان آغاز گشت و هم اینک ۱/۶ میلیون ترک در این کشور به کار و زندگی مشغولند. اما دو دهه پس از ورود هنوز هم این انسان‌ها دمسازی و رابطه پویا و فعالی با محیط خویش ندارند. به گفته دیگر برخورد تحقیرآمیز، خودمحورانه و دافع بسیاری از آلمانیها از یکسو، و فرهنگ بسته و غیرمنصف خود ترک‌ها مانع از درآمیزی و دادستد فرهنگی و اجتماعی پویا و ثمربخش میان آنان شده است. در خود جامعه ترک آلمان و بویژه در گستره خانواده‌ها هنوز هم قسماً روابط عقب‌مانده و مردسالارانه حاکم است و دود این روابط بیش از همه به چشم زنان ترک می‌رود. گزارش اسپیکل که در پی می‌آید، جنبه‌هایی از زندگی این زنان را بازمی‌نماید.

عشق خونین فرجام

صبح تابستان است و خورشید باشتاب در حال فراز آمدن در

فواحش ایستاده‌اند. فیلم به‌رغم جنبه‌های افراق‌آمیز دارای یک پیش‌زمینه واقعی است. نویسنده فیلمنامه درونمایه فیلم را با الهام از زندگی زن ترکی نوشته که اقلب روزها جز نشستن پشت درپچه و نگاه کردن به بیرون تماس دیگری با محیط نداشته است.

شوهران و پدران سنتی ترک اغلب مراقبت که زنان خانه خودسرانه و بدون اجازه از خانه خارج نشوند، در این مراقبت و کنترل دایه‌ها، هموها، خویشان دور و نزدیک، دوستان برادر، همکاران پدر و همسایگان نیز همکاری میکنند. اگر دختری بدون همراه و محافظ خودسرانه از خانه خارج شود معمولاً مورد بدگمانی قرار گرفته و بکارت وی سوال انگیز می‌شود.

مرد خانه برای پاسداری از آبروی خود باید با اقدامات لازم علیه این گونه سوال‌ها و تردیدها وارد عمل شود.

بکارت دختران

و باقی قضا

دوستی و رابطه دختر با مرد بیگانه گرچه در شرق اروپا هم بد شمرده میشود، اما در میان خانواده‌های سنتی مسلمان بیش از هر جای دیگر مشکل ساز و تلاطم زاست. برای نمونه صبح روز بعد از هروسی بستگان و خویشان برای اطمینان از بکارت هروس و عدم تماس قبلی وی با مردی دیگر، محلقه هروس و داماد را جهت دیدن خون واری می‌کنند. اگر خونی دیده نشود، موافقت ناگواری برای هروس در پی خواهد داشت. در بخشهایی از ترکیه هنوز هم رسم بر آن است که محلقه خون آلود را روز پس از هروسی بر سر در خانه می‌آویزند، تا همگان بکارت هروس را باور کنند.

حال اگر به‌رغم همه مراقبت‌ها و کنترل‌ها دختر به میل خود و بدون اجازه دوستی انتخاب کند و در این میان فاقد بکارت شود، چه خواهد شد؟ والدین چنین دختری میتوانند با پرداخت مقداری پول بازرگی دختر را به وی باز گردانند. اما رنج و دردی که در این میان نصیب دختر میشود، ننگینی است. در برلین، آمستردام، استانبول و... دختران زانی یافت میشوند که با دریافت ۳۰۰ تا ۱۰۰۰۰ مارک، از طریق جراحی بکارت را به دختران باز میگردانند. از آنجایی که بکارت احیا شده ناپایدار و کم دوام است باید جراحی کمی بیش از هروسی انجام یابد، مشکل اما آنجاست که این جراحی‌ها دردهای شدید و تاب ربا همراه است، به گونه ای-که برای دختر جراحی شده بعضاً راه رفتن هادی غیرممکن میشود، و مشکل بزرگتر آن که هروس در شب هروسی بی‌چون و چرا باید بر قصد برای معاف کردن چنین هروسانی از رقص، خانواده‌های آنها کلک‌های مختلفی سوار میکنند. مثلاً در برلین با دادن رشوه به یک راننده تاکسی وی را راضی میکنند و نزد بستگان و خویشان هروس داماد شهادت دهد که هروس به سبب تصادف با تاکسی وی توان راه رفتن نیست. راست این است که دختران خانواده‌های سنتی ترک روز بروز

همچون دانه است وزن همچون زمین، و زمین هم که در همه جا یافت می‌شود. و ضرب المثلی دیگر می‌گوید: "زن باید شلاقی برگردد و بچه‌ای در شکم باشد." چون نیک بنگریم زندگی زنان ترک در خانواده‌های سنتی دقیقاً با این ضرب‌المثلهای خوانی و تطابق دارد و به‌رغم قوانین دلفریب هنوز هم این زنان بندگان در چه دو خدا بحساب می‌آیند. در آلمان نیز زنان ترک روزگار بهتری ندارند. آنها در اینجا نیز دستمزد کمتری دریافت می‌دارند و کمتر صاحب هویت برجسته اجتماعی می‌شوند. فرصت آموزش و کارآموزی هم برای این زنان کمتر دست می‌دهد و از این رو به کارهای پست روی می‌آورند. تحمل بدرفتاری و اهانت در محیط کار و نابرخورداری از تامین اجتماعی از دیگر شاخص‌های زندگی این زنان است و همه این عوامل سبب می‌شود که وابستگی زن به نان‌آور اصلی خانواده (مرد) دست نخورده بماند.

در ترکیه رابطه و مناسبات زن و مرد چهارچوبی خشک و آیه‌وار دارد: مردان نماینده خانواده در بیرون از خانه‌اند و جایگاه محتوم زنان خانه است. کار جانفوسا در مزارع و کشتزارها که برای مردان نامناسب شمرده می‌شود، نیز تمام و کمال به زنان واگذار می‌گردد.

اما مرد ترک در آلمان نمی‌تواند در بیرون از خانه آنچنان که می‌خواهد، بپردازد و فرور مردانه خویش را رها کند. وی به عنوان رفتر، کارگر ساختمانی و یا... چه به سبب خارجی بودن و چه به سبب عدم تسلط بر زبان آلمانی پیوسته مورد بی‌احترامی و اهانت همکارانش قرار می‌گیرد. چنین انسانی شب‌ها با فرور جریحه‌دار به خانه می‌آید و حقارت و سرخوردگی‌اش در محیط کار را بر سر زنان خالی می‌کند.

برای مردان ترک البته "بیرون" تنها به محیط کار محدود نمی‌شود، وی می‌تواند بی‌اعتنا به نیازهای روحی و عاطفی خانواده خویش ساعت در قهوه‌خانه‌های مخصوص ترک‌ها به چای و گپ و تخته‌بازی بپردازد و یا اگر املش باشد سری هم به تماشای فیلم‌های سکسی و یا دیدن زن دختران آلمانی برود. اما زنان ترک ناچارند که پیوسته در خانه بمانند و یا تنها برای کار پست و کم درآمد خود از خانه خارج شوند. بجز آن بیرون رفتن زنان ترک همدتا به خرید از بقالی سرکوبه محدود می‌شود. در فرهنگ سنتی ترکیه محدودیت زنان در خروج از خانه چنین مدلل می‌شود: "آنکس که زیاد بیرون می‌رود، کثافت بیشتری با خود به درون می‌آورد."

فیلم "آلمان ۴۰ متر مربعی" که انفراد و انزوائی زنان ترک را تصویر میکند، حکایت زن دهاتی ترکی است که پس از ازدواج توسط مردش به آلمان آورده می‌شود و بی‌هیچ تماس و ارتباطی با محیط مجبور است شب و روز در خانه‌ای ۴۰ متری به سر آرد و تنها به بازگشت مردش از کار روزانه و گپی احتمالی با او دلخوش کند. وی حتی در روزهای تعطیل نیز امکان بیرون رفتن را نمی‌یابد. شوهرش به او می‌گوید: "بیرون خطرناک است، پشت درخانه

در انتخاب همسر آینده خویش حق اظهار نظر بیشتری می‌یابد، اما هنوز هم به‌طور عمده حرف آخر را والدین می‌زنند. معمولاً در یک مهمانی ویژه داماد با دادن ۵ تا ۱۰۰۰۰ مارک به خانواده هروس "بله" را از زبان آنها می‌گیرد. دختران ترک ساکن آلمان در ترکیه خواستاران بسیار دارند، زیرا که طبق قوانین آلمان همسران آنان نیز تحت شرایطی از اجازه اقامت در این کشور برخوردار میشوند. از اینرو "بله" گرفتن از والدین چنین دخترانی ممکن است برای داماد تا ۳۰۰۰۰ مارک خرج بردارد. پول که پرداخت شد، هروس و داماد آینده اجازه مییابند لحظه ای در چشمان یکدیگر بنگرند و همدیگر را بیشتر و رانداز کنند. طبیعی است که ازدواجی از این دست معمولاً با پیامدهای ناخواسته و ناسازگارها همراه باشد. هم اینک در بسیاری "خانه‌های زنان" آلمان (اقامتگاه زنان بی سرپرست و فراری از خانه) زنان ترک رقم چشمگیری را تشکیل میدهند. اما این خانه‌ها نیز برای آنها جای امن و بی‌خطری نیست. بسیاری مواقع مردان این خانه‌ها شده و زنان گریخته خویش را کشان کشان میبرند. توجیه چنین رفتار خشونت آمیزی را هم مردان سنتی ترک همیشه در آستین دارند: آیه ۴ سوره ۴۳ قرآن. در واقع این مردان هم متمم‌اند، هم قاضی‌اند و هم مجری حکم. برای نمونه چند سال پیش مرد کردی از ترکیه وارد "خانه زنان" شهر کیسن شد و با ۳۰۰۰۰ ضربه کارد همسر فراری‌اش را به سختی مجروح نمود. در مورد دیگر در اشتوتگارت یک ترک ۲۹ ساله یک حلقه تیر کامل را به سویی همسر فراری‌اش نشانه رفت و پس از فرو افتادن زن نیز تیر اندازی را ادامه داد. وی در دادگاه گفت: "من فقط می‌خواستم او را به خانه باز گردانم." زنان ترک حتی در "کانونهای اطلاعات و تبادل نظر برای زنان ترک" (مراکزی که برای رسیدگی به مسائل زنان ترک برپا شده‌اند) نیز از چنین تهاجمات در امان نیستند. در این مراکز به زنان ترک یاری میشود که با شناخت بیشتر حقوق خویش در برابر زورگویی و تهدیات مردان ایستادگی کنند، از اینرو چنین مراکزی خوشایند مردان ترک نیست. چندی پیش مرد ترک ۴۰ ساله‌ای با وارد شدن به کانون اطلاعات و تبادل نظر زنان ترک در برلین سراغ زنی نام لیا را می‌گیرد. هنگامی که وی به‌درون مرکز فرا خوانده میشود، تپانچه خود را بر کشیده و شروع به تیر اندازی میکند که در نتیجه آن یکی از کارکنان این کانون مجروح و یک زن ترک ۳۹ ساله به نام فاطمه از پادر می‌آید. زنان گرد نفرار و خود آگاه ترک نیز بهیچوجه جانشان در امان نیست، فمینیستها که جای خود دارد. ظرف سالهای گذشته دو زن ترک فعال در امور و مسائل زنان به سختی مورد حمله قرار گرفته و تاپای مرگ مورد ضرب و شتم واقع شده‌اند. یکی از این زنان به نام نادیره از سوی شوهر سابقش مسعود حبس، شکنجه و مورد تجاوز قرار گرفته و فرزند ۴ ساله آنها که سرپرستی‌اش را نادیره به‌عهده داشت، ربوده و به



سئوالی که سر سبز

بر باد می‌دهد

راست این است که والدین ترک روز به روز در برابر خواست دختران برای آموزش و کارآموزی انتطاف و تفاهم بیشتری نشان می‌دهند. اما این دختران پس از تحصیل و دستیابی به کار و استقلال مالی معمولاً نفوذ و اعتبار مردان خانه را زیر سوال و حاضر نیستند همچون گذشته به امر و نهی آنها گردن نهند، و این پدیده‌ای است که ابا خورشید مردان ترک نیست. این مردان همچنین از اینکه دختران و یا خواهرانشان در جریان آموزش و کارآموزی با مردان فریبه تماس و دوستی برقرار کنند، سخت بیمناک و نگرانند.

اداره کار مونیخ برای مقابله با این گونه نگرانی‌های والدین، یک آموزشگاه خیاطی زنانه دائر کرده و تضمین داده است که هیچ مردی به آنجا راه نخواهد یافت. گیریم که چنین ضمانت‌هایی مردان ترک را برای دوره کارآموزی هم که شده، آسوده خاطر نگه دارد، پس از آن چه خواهند کرد؟ آیا آنها قادر خواهند بود، باز هم به دختران آگاه‌تر و مستقل‌تر خویش امر و نهی کنند؟

فاطمه ۲۰ ساله با حجاب کاملاً اسلامی از کارآموزان آموزشگاه خیاطی فوق میباید و نخستین زنی است که در خانواده خود صاحب گواهینامه رانندگی شده است. فاطمه در نظر دارد که پس از اتمام آموزشگاه پول جمع کرده و خانه مستقلی را برای خود دست و پا کند. تنها هنگامی که وی داشتن یک خانه جداگانه را به مسئولین ثابت کند، شوهر وی اجازه خواهد یافت که از آناتولی ترکیه به نزد وی نقل مکان کند. تا آن زمان فاطمه باید با خانواده خود زندگی کرده و از آنها پول توجیبی دریافت دارد.

از ۱۸ ساله و متولو ۱۹ ساله نیز مایلند که پس از اتمام آموزشگاه از وابستگی به خانه‌ها شده و دوستان و همسران خود را شخصاً انتخاب کنند. متولو با قیافه ای حق به جانب می‌پرسد: "آخر چرا نباید اینجوری باشد؟"

این در واقع همان سئوالی بود که سر سبز فکریه را بر باد داد.

مترجم: ج. بهداد

مدتی در خانه حاضر نیست. چنین دخترانی اغلب به زن جنبی پدران خود بدل میشوند و از آنجایی که باید بکارشان تا دهن یا پشت به رضای فریزه پدر بپردازند، در برابر این رفتار غیر انسانی، دختران ترک معمولاً کمتر از دختران آلمانی واکنش نشان میدهند، زیرا شرم و آزرمتان اغلب مانع از آن است که دم بر آرند و از رنجی که می‌برند سخنی بگویند.

در برخی موارد چنین پدرانی همه معیارهای خود را کنار گذاشته و بکر نماندن دختر و یا بارداری او هم واهمه‌ای به دل راه نمیدهند. برای نمونه یوسف الف، سه سال از کار دختر ۱۸ ساله خود، کادیره، را ۲ تا ۳ بار در هفته مورد سو استفاده جنسی قرار می‌داده است. همسر یوسف قبلاً با چشم پوشی از حق حضانت بر فرزندان از وی طلاق گرفته بود. سرانجام پس از آنکه کادیره سه بار از پدر خویش باردار شده و سقط جنین می‌کند، خواهر ۱۷ ساله‌اش تاب نیاورده و جریان را به پلیس اطلاع میدهد.

به گفته خانم زنانه زنگر، مسئول یک خوابگاه اضطراری برای زنان زیر فشار، دختران ترک تنها پس از تحمل فشارها و رنجهای بسیار به فرار از خانه دست می‌زنند. ضرب و شتم‌های بسیار، لکه‌های کبود در تمام بدن، حبس‌های چند روزه و سو استفاده‌های جنسی مکرر از مواردی هستند که این دختران پشت سر می‌گذارند تا بالاخره خود را به ادارات و سازمانهای مسئول معرفی کنند. برخی از این دختران پس از آن همه فشار و سختی چنان روان نژند و پریشانند که باید روانه تیمارستان شوند.

در مورد فرار دختران ترک از خانه آمار دقیقی در دست نیست. اما برای نمونه خوابگاه پاپاتیا در برلین که مخصوص اسکان چنین افرادی است، از سال ۱۹۸۵ تاکنون پذیرای ۴۰۰ دختر ترک ۱۸ تا ۱۳ ساله بوده است. سرپرست این خوابگاه، خانم اوته مولر هاین، می‌گوید: "بیشتر این دختران مورد بدرفتاری پدر و برادران خویش بوده و یا از سوی آنها مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته‌اند."

می‌کنند. در مرز آلمان - اتریش آسمون به هوش آمده، از ماشین کم سرعت پایین می‌پرد و ماموران مرزی را از ماجرا مطلع می‌کند. هلی و خواهرش دستگیر شده و دختران برای شستشوی معده به بیمارستان انتقال می‌یابند.

بدر و دامه

ارزشها و هنجارها

دختران خانواده‌های سنتی ترکیه پیوسته در خانه به بازگشت به ترکیه و ازدواج با یک مرد ناشناس تهدید میشوند، برای



پدران مهم نیست که این حرف‌ها چه تأثیرات سوپی بر روحیه دختران به جای می‌گذارد. آیه، دختر ۱۶ ساله ترک، در کتاب خود با نام "ما کجایی هستیم؟" می‌نویسد: "مرد ترک در خانه صاحب انسانها و اسباب خانه است و در عمل هم برای او انسانها و اسباب خانه تفاوت چندانی ندارند."

این احساس تملک‌گهگاه تا سو استفاده جنسی از دختران نیز گسترش می‌یابد. پدران در چنین مواردی همه آن غیرت و تعصب خود در باره "ناموس" و "برو" را از یاد می‌برند و نشان میدهند که ارزشهای اخلاقی آنان تا چه مایه متناقض و میان تهی است. یکی از مسئولان "گروه خانه و رسیدگی به امور خانواده" که به مسائل خانواده‌های ترک آشناست، می‌گوید: "دخترانی بیشتر مورد سو استفاده‌ای قرار می‌گیرند که در هنگام و در سنین جوانی به آلمان می‌آیند و معمولاً ما در آنها هم به دلایل گوناگون

ریخته نشود.

واقعیت آن است که استفاده دختران ترک از امکانات آموزشی به گسترش خود آگاهی و رشد شخصیت و بالطبع به افزایش اعتماد بنفس و استقلال بیشتر آنها می‌انجامد، امری که محلی برای کشمکش مادران با آنها میتواند باشد. خزون بر آن ترس مادران از اینکه از سوی شوهران خویش بخاطر "هصیان" دختران به بی‌عرضگی متهم شوند، آنها را وامیدارد که گهگاه همان رفتار مردان نسبت به خویش را به روابط خود با دخترانشان سرایت دهند.

به گفته کریستا مولر، کارشناس امور تربیتی؛ والدین ترک معمولاً نسبت به ندای کمک و مددخواهی دختران خویش بی‌اعتنا هستند و بی‌عملی والدین متفاوتی و بی‌عملی والدین متولو ۱۶ ساله اظهار تعجب و شگفتی میکند. تحقیقات نشان میدهد که این دختر با مادر خود رابطه‌ای پرتنش داشته است. به گفته متولو، هنگامی که وی ۹ سال بیشتر نداشت، مادرش وی را به سبب تأخیر در بازگشت از خرید به دوختن آلت تناسلی‌اش تهدید می‌کند. سپس از آن نیز متولو پیوسته بخاطر دیدار با دوستان دختر آلمانی‌اش با فشار و خشونت مادر مواجه بوده است، از همین رو سرانجام تصمیم به خودکشی گرفته و خود را از پنجره به پایین پرتاب میکند، اما جان به در می‌برد. پس از این رویداد حق حضانت متولو از مادرش گرفته شده است. وی اینک در یک خوابگاه بسر می‌برد و سال دیگر مدرسه را به پایان خواهد برد.

خانواده‌های سنتی ترک معمولاً به مسئولان مربوطه امکان نمیدهند که به مسائل دختران آنها رسیدگی کرده و

معمولاً به مسئولان مربوطه امکان نمیدهند که به مسائل دختران آنها رسیدگی کرده و



هوازش ناشی از سرفشار با آنها را بر طرف سازند. بسیاری از این دختران همینکه وارد دوران جوانی میشوند، برای ازدواج به ترکیه فرستاده میشوند، اگر با زبان خوش این کار میسر نشود، والدین را از کار برد زور و کلک پروایی نیست.

هلی‌بس صاحب یک بنگاه تجاری در آلمان حق حضانت بر دو دختر ۱۶ و ۱۲ ساله‌اش، آسمون و آیلا، را به سبب بدرفتاری و زدن آنها با مقتول آهنی از دست میدهد. ۴ هفته پس از این جریان وی خواهر خود را ترغیب میکند که به خوابگاه دختران رفته و به بهانه خرید آنها را از آنجا بیرون بیاورد. آسمون و آیلا بی‌خبر از همه جا با همه خود راه می‌افتند. در راه با برنامه از پیش تعیین شده زن رمالی بر سر راه آنها سبز شده و با فریب و کلک به آنها ادکلن و قرص خواب آور می‌خوراند. هلی و خواهرش دختران بی‌هوش شده را در ماشین گذاشته و برای ازدواج دادن آنها به سوی ترکیه حرکت

نمی‌گویند. تضاد میان ارزشها و هنجارهای خانواده‌های سنتی ترکیه و فرهنگ باز و متفاوت آلمان برای جوانان و بویژه دختران ترک نیز دشواری‌زا است. آنها روزها به هنگام رفتن به مدرسه به آلمان وارد میشوند و شبها با رجوع به خانه دوباره به ترکیه باز میگردند.

در حالی که با پسران ترک از همان کودکی همچون شاهزاده رفتار شده و به آنها مثلاً در مورد انتخاب نوع لباسشان حق نظر داده میشود، دختران باید بدون چون و چرا سراپای خود را پوشیده و با حجاب کاملاً اسلامی به مدرسه بروند، آنها در اوج تابستان نیز حق برداشتن روسری خود را ندارند. به رقم توجه بر انگیز بودن چنین لباسهایی، در خیابانهای آلمان، والدین ترک از دختران خویش توقع متناقضی دارند: "تو در بیرون از خانه نباید چشم‌زن و توجه بر انگیز باشی و باید همیشه حجاب خود را حفظ کنی."

رنج و فشاری که دختران ترک در خانواده‌های سنتی تحمل می‌کنند، بر آنها تأثیرات و پیامدهای روحی و روانی بسیاری برجای می‌گذارد. به گفته یک کارشناس امور روانی و تربیتی بسیاری از دختران مدرسه‌رویی که وی میشناسد، شبها رختخواب خود را خیس میکنند. چنین عارضه‌ای بیشتر در افرادی دیده میشود که از لحاظ روحی و روانی ناراحت و زیر فشارند. در بسیاری از دختران ترک خودآزاری، کندن مو و سوزن خواری پدیده‌ای چشمگیر است. برخی از آنها یکبار خودکشی را هم تجربه کرده‌اند. مشکل اصلی چنین دخترانی که در سنین ۱۰ تا ۱۸ قرار دارند، عبارت است از احساس تنهایی،

ترکیه برده میشود. در مورد دوم حدیثه، مددکار اجتماعی و از فعالین امور زنان، مورد حمله یک مرد هم‌وطنش قرار میگیرد. حدیثه در صدد بود به دختر ترکی که کند که بر خلاف میلش میبایست به عقد مردی، به نام عرفان در آید. یک روز صبح عرفان به در خانه حدیثه میرود و ضمن ناسزاگویی ۲۸ ضربه کارد در بدن وی مینشانند. خوشبختانه حدیثه توانست دوام بیاورد و از مرگ وارم.

جدائی

گزینشی بی چشم انداز

جدایی از همسر برای زنان سنتی ترک اقدام خطرناکی می‌نماید که نه تنها به ازدست دادن بچه‌ها، بلکه به قیمت گسست از کل خانواده تمام خواهد شد. این زنان اگر هم خطر کرده و از مردان خود جدا شوند، معمولاً کامیاب نمیشوند، زیرا هیچگاه یاد نگرفته‌اند که بر روی پای خویش ایستاده و تنها زندگی کنند، آنها از همان آغاز با اندیشه وابستگی محتمل به مرد پرورش می‌یابند.

قوانین مربوط به اتباع خارجی نیز کار زنان ترک را دشوارتر ساخته است، زیرا اقامت زنان ترک در آلمان تا هنگام زندگی مشترک با مردان خویش امکان پذیر است. تنها ۴ سال پس از زندگی این زنان میتوانند به تنهایی درخواست اقامت کنند، اما با خواست آنها هنگامی موافقت میشود که از لحاظ مالی متکی به خود باشند و از اداره تأمینات اجتماعی تقاضای کمک نکنند. در عمل برای زنان ترک که معمولاً امکان و فرصت آموزش و کارآموزی ویژه‌ای را نداشته‌اند،



بندرت کاری و درآمدی پیدا میشود و این یعنی آنکه این زنان باید فکر جدایی را از سر به در کرده و به زندگی رنج آمیز خود بی‌چون و چرا ادامه دهند. به قول یک پزشک متخصص در امور تنظیم خانواده قوانین آلمان به چماق مردان ترک بدل شده است. زنان ترک برای مقابله با رنج و حرمان زندگی و کاستن از هم بی‌پناهی خویش معمولاً به آسپرین، الیوم، نوالژین و... رو می‌آورند. به گفته یک زن روانشناس ترک به نام لالا گوزلو بیشتر زنان ترک به آسپرین معتادند و تشنج، بی‌خوابی، کم‌درد، خستگی و... در میان آنها پدیده‌هایی رایج و هادی‌اند. مشکل آنجاست که عدم آشنایی این زنان با زبان آلمانی مانع تشخیص درست پزشکان از رنج و بیماری آنهاست. مددکار اجتماعی خانم باران می‌گوید: "زنان ترک هنگام مراجعه به پزشک با ساری افتاده و چشمانی گودرفته روبروی می‌نشینند، ولی سخن چندانی

از رویدادهای ایران

دیدار وزیر خارجه یمن از تهران

وزیر خارجه یمن قبل از ترک تهران، سفر خود را به مقابله نقطه تحولی در روابط دو کشور خواند.

از شروع بحران خلیج فارس تاکنون این سومین سفر مقامات بلند پایه یمن به تهران بوده است، قبل از عبدالکریم ارجانی وزیر خارجه یمن، رئیس پارلمان و قائم مقام وزارت خارجه آن کشور نیز به تهران سفر کرده بودند. این تماس ها از سوی دولت رفسنجانی با هدف فعال کردن سیاست خارجی رژیم نسبت به کشورهای منطقه و گسترش رابطه با آنان صورت می گیرد.

دیدار مدیران شرکت کروپ با سرمایه داران ایرانی

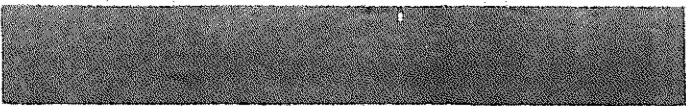
عامل کنسرسیوم کروپ در پاسخ به اظهارات معاون وزیر امور اقتصادی گفت: ما دوران جدیدی را آغاز می کنیم تا به زمینه افزایش همکاری در آینده بپردازیم. وی گفت: هدف ما از سفر به ایران بالا بردن زمینه همکاری است. لازم یادآوری است که ۲۵ درصد از سهام موسسه کروپ متعلق به ایران می باشد. در جریان سفر مدیران شرکت کروپ به ایران همکاری این شرکت برای احداث مجتمع تولید آهن در جزیره قشم نیز مورد بررسی قرار گرفت. این مجموعه ۵ میلیون تن ظرفیت خواهد داشت با همکاری ژاپن در دست احداث است.

۸۰ میلیارد ریال کسر بودجه برای دانشگاهها

هیات علمی بوده اند که این رقم در سال ۶۸ به ۲۲۲۲۱ نفر کاهش یافته است. وی گفت تنها طی دو سال اخیر ۷۳۳۷۸ نفر به تعداد دانشجویان اضافه شده و اکنون ۵۱۷۰ نفر کمبود پرسنل وجود دارد. معاون اداری و مالی وزارتخانه مذکور خاطرنشان ساخت از سال ۶۷ تاکنون از سوی سازمان امور اداری و استخدامی حتی مجوز یک استخدام هم برای تامین پرسنل لازم صادر نشده است.

موفقیت دو دانشمند ایرانی

فرهنگستان زبان، مرکز مخابرات اسد آباد و رصدخانه نوین در ایران است. بنا به همین گزارش تئوری بی نهایت بودن ذرات این دانشمندان ایرانی در میان فیزیکدانان جهان مشهور است. یک پزشک و محقق ایرانی بنام دکتر علی اکبر بنگدارپور نیز لقب بنیانگذار رادیولوژی در سیستم استخوانی و عضلانی را بخود اختصاص داده است. او این عنوان را از سوی انجمن بین المللی سیستم استخوانی کسب کرده است. دکتر بنگدار پور که تحقیقات و مطالعات گسترده ای در زمینه بیماری های استخوانی دارد، استاد برجسته دانشگاه علوم پزشکی تهیل ایالت پنسیلوانیا می باشد و دارای ۷ کرسی افتخاری در دانشگاه های جهان است.



پیروزی صدر نشین فوتبال باشگاه های تهران شد

دومین هفته دوره برگشت مسابقات منطقه ای قهرمانی باشگاه های کشور جمعه گذشته با انجام زنده دیدار دنبال شد و این نتایج بدست آمد: برق شیراز ۲ کاوه بندر عباس صفر، تام افغانان یک کما شیراز صفر؛ سپید رود رشت ۲ پرسپولیس بیجار صفر، شاهین بوشهر ۱ پرسپولیس دهدشت صفر، نساجی قائم شهر یک ابومسلم مشهدیک، در پایان هفته نهم این مسابقات تیم های استقلال رشت، ابومسلم مشهد؛ تام افغانان و استقلال اهواز در صدر جدول مناطق چهار گانه قرار دارند. تیم فوتبال استقلال تهران در دیداری حساس که با حضور ۴ هزار تماشاگر در اهواز برگزار شد تیم استقلال اهواز را با نتیجه ۲ بر صفر شکست داد و راهی مرحله بعدی مسابقات حذفی قهرمانی باشگاه های کشور گردید.

مسابقات فوتبال باشگاه های تهران پس از مدتها وقفه و بی نظمی، رونق دوباره ای گرفت و هیئت فوتبال تهران برنامه یک ماهه آتی این مسابقات را اعلام کرد اما هلیرفم این رونق مسابقات کماکان فاقد نظم است و برنامه های اعلام شده از سوی هیئت فوتبال پی در پی تغییر می کند. جمعه گذشته تیم پیروزی با نتیجه ۲ بر یک بر تیم شاهین قله کردو در صدر جدول قرار گرفت. یک هفته قبل تر تیم فوتبال پیروزی در یک دیدار حساس با تیم پاس- که تا آن زمان صدر نشین مسابقات بود - بدون گل به تساوی رسیده بود. از این مسابقه ۷ هزار نفر در ورزشگاه آزادی دیدن کردند. در همان زمان ۳ هزار تماشاگر نیز شاهد پیکار تیم های استقلال و آرات در ورزشگاه شیروودی بودند که ۲ بر صفر به نفع استقلال خاتمه یافت.

شطرنج ایران در دومین مسابقه با همین نتیجه مغلوب قهرمانان شطرنج کلمبیا شد. تنها قهرمان پیروز کشور ما در این مسابقه خسرو هرنندی بود که در یک مسابقه دشوار بر حریف خود غلبه کرد. دیگر شطرنج بازان ایران (ماموری، خاکپور و کهایبی) نتیجه مسابقات را به حریفان خود واگذار کردند.

دست یافت بهترین وزنه بردار کشور ما در این وزن ۱۸۲/۵ کیلوگرم (۱۰۷۵+۷۵) وزنه برداشت. در وزن ۵۶ کیلوگرم قهرمان چینی با رکورد ۲۸۵ کیلوگرم (۱۳۰+۱۵۵) مدال طلا گرفت. قهرمان کشور ما در این وزن ۲۰۵ کیلوگرم (۹۵+۱۱۵) برداشت. در سایر وزن ها تفاوت از این نیز بیشتر شد.

بدست آمده در بوداپست و در شیراز اتم در وزنه های سبک که قهرمانان ایرانی بارها مدال های طلای آنها را به گردن آویخته بودند، سقوط فاجعه بار وزنه برداری ایران را نشان می دهد. در بوداپست؛ قهرمان بلغاری در وزن ۵۲ کیلوگرم با ۲۶۵ کیلوگرم (۱۱۵+۱۳۷) به مدال طلا

آغاز المپیاد جهانی شطرنج

مهدی ماموری، عباس خاکپور، هادی مومنی و حسین آریان نژاد تشکیل می دهند. تیم شطرنج ایران در اولین مسابقه خود با نتیجه ۳ بر ۱ بر تیم بولیوی غلبه کرد. در این دیدار هرنندی، ماموری و خاکپور بر حریفان خود پیروز شدند و کهایبی مسابقه خود را باخت. تیم

وزنه برداری ما، وزنه برداری آنها

می کنند. تیم ملی شطرنج ایران بعد از ۱۴ سال در این مسابقات حضور یافته است. اعضای تیم ملی ایران را که بدنبال چند دور پیکار از میان بهترین شطرنج بازان ایران انتخاب شده اند؛ مهندس خسرو هرنندی استاد بین المللی شطرنج، دکتر کیخسرو کهایبی؛ مهندس

به دست آمده که تیم وزنه برداری ایران، که زمانی قدرت نخست و بی چون و چرای آسیا بود بدلیل ضعف شدید و عدم توانایی برای تشکیل تیم ملی در این مسابقات حضور نداشت. همزمان با پایان مسابقات قهرمانی وزنه برداری جهان، مسابقات وزنه برداری قهرمانی کشور ما نیز در شیراز آغاز شد. مقایسه ای بین رکوردهای

بیست و نهمین المپیاد جهانی شطرنج از روز جمعه ۲۵ آبانماه در شهر نووی ساد یوگسلاوی آغاز شد. در این مسابقات بیش از ۱۰۰ تیم مردان و ۸۰ تیم زنان از سراسر جهان شرکت دارند. این مسابقات تا پانزدهم آذرماه ادامه خواهد داشت و شطرنج بازان در ۱۴ دوره با یکدیگر پیکار

شخصت و سومین دوره مسابقات وزنه برداری قهرمانی جهان، دوشنبه گذشته در شهر بوداپست مجارستان به پایان رسید. در این مسابقات تیم های شوروی و بلغارستان مقام های اول و دوم را به خود اختصاص دادند و کره شمالی و چین به مقام های سوم و چهارم دست یافتند. درخشش غیر منتظره وزنه برداران آسیایی در شرایطی

گروه دیگری از اسرای ایرانی آزاد شدند

مستند که در دادگاه های عراق و جمهوری اسلامی به دلیل ارتکاب جرایم مختلف، محاکمه و محکوم شده بودند. هنوز ارقام دقیقی در مورد تعداد اسرای باقی مانده در دو کشور در دست نیست. گفته می شود هنوز چند هزار اسیر ثبت نام نشده ایرانی در عراق و به میزان بیشتری اسرای عراقی گز تهران وجود دارند. دورژیم در این زمینه اطلاعات دقیقی منتشر نکرده اند و از اسرای باقی مانده بعنوان سلاحی در مناسبات میان خود سود می جویند. هیچ گونه تاریخی در جهت ادامه تبادل اسرای باقی مانده تعیین نشده است.

آخرین مهلت تعویض شناسنامه ها

سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه ای آخرین مهلت تعویض شناسنامه های سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۳ را پایان سال جاری اعلام کرد. در این اطلاعیه گفته شده است که شناسنامه های نمونه قدیم متولدین مرد سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ و شناسنامه های همه متولدین سال های ۵۳ تا ۵۷ فاقد اعتبار است و کسانی که تا بحال شناسنامه جمهوری اسلامی دریافت نکرده اند باید در اسرع وقت به یکی از واحدهای ثبت احوال مراجعه و نسبت به تعویض شناسنامه خود اقدام نمایند.

محکومیت اعدام برای یک جوان

آنان با حزب الهی ها انجامید. در جریان این درگیری یکی از بسیجی ها به دست جوانی بنام فرهاد قزل چاقو خورد و مجروح گردید. وی به بیمارستان خمینی انتقال یافت اما بر اثر شدت جراحات در گذشت. فرهاد قزل که توسط سایر بسیجی ها دستگیر شده بود در دادگاه شعبه ۱۳۴ کیفری تهران محاکمه شد. خانواده بسیجی کشته شده خواستار قصاص وی گردید و دادگاه نیز وی را به اعدام محکوم نمود.

دولت ۱۸ میلیارد دلار وام میگیرد

دکتر محمد حسین عادل رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد که جمهوری اسلامی در صدد است وامی به میزان ۱۷/۵ میلیارد دلار برای اجرای طرح های اقتصادی برنامه ۵ ساله دریافت کند. وی هر گونه مذاکره با صندوق بین المللی پول برای وام را رد کرد و گفت اعتبار ۱۷/۵ میلیارد دلاری از منابعی تامین خواهد شد که بهترین شرایط و ارزترین قیمت ها را داشته باشند. عادل حاضر به توضیح بیشتری در مورد این منابع نشد.

وی هم چنین اضافه کرد دولت ۲۵۰ میلیون دلار وام نیز به شرط تصویب مجلس از بانک جهانی برای بازسازی مناطق زلزله زده دریافت خواهد کرد. عادل از تصویب مجلس برای وام ۱۷/۵ میلیارد دلاری سخنی نگفت. گفته می شود مجلس وام درخواستی دولت را در یکی از جلسات غیر علنی خود به تصویب رسانده است.

تمدید ۲ ماهه نیروهای یونیماک

حکومت اسلامی با تمدید ماموریت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد که در مرزهای ایران و عراق مستقر هستند، به مدت دو ماه دیگر موافقت کرد. این تصمیم به دنبال سفر معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در اواخر آبان ماه به تهران صورت گرفت. وی قبلا از بغداد نیز دیدن کرده بود. مهلت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (یونیماک) تا چند روز دیگر به پایان می رسد. تمدید ماموریت این نیروها نشانگر مشکلات هنوز حل نشده ای بین حکومت های تهران و بغداد است. هنوز کار علامت گذاری مرزهای بین المللی به سرانجام نرسیده و موافقت نامه های نهایی صلح نیز امضا نشده است.

جوانی که در جریان نزاع با بسیجی ها، یکی از آنان به نام ناصر اعدام را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود به اعدام محکوم شد. روزنامه های رژیم ضمن سانسور خبر کشته شدن بسیجی مذکور جریان قتل وی را "در رابطه با مکتب گویی" عنوان کردند. در تاریخ سوم شهریور ماه بسیجی ها در پارک لاله به ایجاد مزاحمت برای مردم و "بد حجابان" اقدام کردند که این عمل مورد اعتراض شدید مردم واقع شد و ادامه این اعتراض به زد و خورد میان

حمایت از آل صباح!

روز دوشنبه گذشته نوری الحاکم سفیر جدید کویت در تهران با هاشمی رفسنجانی ملاقات کرد و استوار نامه خود را به وی تسلیم کرد. در این دیدار رفسنجانی از وضعیت پیش آمده برای مردم کویت ابراز تاسف کرد و گفت امیدوار است که اشغال کویت هر چه زودتر پایان یابد. سفیر جدید کویت نیز مدعی شد که امیر این کشور از پیروزی های جمهوری اسلامی در برابر عراق و اجرای موافقت نامه ۱۹۷۵ بسیار خرسند است. پذیرش سفیر کویت توسط رفسنجانی، یک اقدام سمبلیک در شناسایی حکومت آل صباح بر کویت به شمار می رود. رفسنجانی در شرایطی پشتیبانی خود از آل صباح را اعلام داشته که نه تنها مخالفینش در حکومت با آن بشدت مخالفند، بلکه نیروهای ترقی خواه در جهان نیز از مشروط کردن عقب نشینی عراق از کویت با ادامه حکومت این خاندان در آن کشور بیشتر فاصله می گیرند.

این "جنگ مقدس" قادر است، در صورت بروز، خود این رژیم را نیز از بین ببرد. به همین خاطر صدام حسین در تلاش است راه سازشی را با آمریکا جستجو کند که منافع ویژه او را نظیر بخشودن بدهی‌ها، افزایش قیمت نفت و بندری در خلیج و... در برگیرد. در جهان غرب در خصوص احتمال آغاز یک جنگ ندهای مختلف بگوش می‌رسد. محافل معینی بر طبل جنگ می‌کوبند اما از سوی دیگر با توجه به خطر گسترش جنگ بر سرتاسر منطقه، حتی در ایالات متحده آمریکا تردید نسبت به آغاز جنگ رشد کرده است. احساسات اولیه برای انجام "رسالت عدالت جویانه" به هراس از نتایج مرگبار این جنگ بدل شده است. لازم به تأکید است که تازمانی که نظام سرمایه‌داری پابرجاست، امید به استقرار جهانی صلح‌آمیز یک سراب است زیرا تنها با از بین رفتن ناهدالتی‌های مبتنی بر بهره‌کشی انسان از انسان، خواه به شکل سرمایه‌داری یا به صورت شمال از جنوب، زمینه هرگونه جنگ و تشنج از بین خواهد رفت.

مزدک

ضربه عراق در شرایطی رخ داد که تلاش‌های ایالات متحده و اتحاد شوروی برای حل منازعات منطقه‌ای با شکست مواجه شده بود. در حالی که آمریکا به اسرائیل فشار می‌آورد با سازمان آزادیبخش فلسطین به مذاکره پردازد، اتحاد شوروی سوری را متقاعد می‌کرد از موضع سفت و سخت خود در برابر اسرائیل پاپس نهد و به سازمان آزادیبخش فلسطین مساعدت می‌نمود تا یک راه حل صلح‌آمیز با اسرائیل را بپذیرد. قیام مردم فلسطین در مناطق اشغالی به ایالات متحده آمریکا نیز فحمانده بود که اوضاع موجود قادر به دوام نیست. اما تغییر کابینه اسرائیل و روی کار آمدن نیروهای افراطی راست در حکومت این کشور، از سویی به سرخوردگی مردم از تلاش‌های صلح‌جویانه و از سوی دیگر به رادیکالیزه کردن بیشتر اوضاع مساعدت کرد.

در چنین موقعیتی حمله عراق به کویت بسان صاعقه تأثیر نمود و موج عظیم همبستگی با صدام حسین را در میان مردم عرب پدید آورد. صدام حسین نیز با توجه به این روحیه، "جنگ مقدس" را فراخواند. اما سران رژیم عراق بخوبی می‌دانند که

این باره می‌نویسد: "او در دیدار شورای همکاری‌های خلیج در ماه فوریه در اردن ۳۰ میلیارد دلار مطالبه کرد و گفت که اگر این پول را به او ندهند، خود خواهد دانست آن را چگونه تهیه کند." اما او این پول را دریافت نکرد. او در ماه‌های پس از آن، هم چنان تلاش کرد مبالغ میلیاردی از کویت و سایر کشورهای خلیج دریافت کند اما موفق نگردید. او آنگاه در کنفرانس‌های اوپک کوشید قیمت نفت را بالا ببرد و یاب به زیان کویت و عربستان سعودی سهم بیشتری از استخراج و صدور نفت را به عراق اختصاص دهد. این تلاش نیز به شکست منجر شد.

کویت و سایر نشین‌ها به خواسته‌های عراق تن ندادند. او لا به این دلیل که بنظرشان یک کشور خسته بر اثر جنگ و ضعیف و مقروض بی‌خطرتر از آن کشور نیست که زمانی دایه سرکردگی بر خلیج را داشت. اما از سوی دیگر بخاطر آنکه این کشورها هم‌اکنون از سرمایه‌های خود در غرب درآمد بیشتری کسب می‌کنند تا از صدور نفت. به این ترتیب شیوخ کویت دیگر نه مدافعین منافع غرب در خلیج بلکه خود به بخشی از بورژوازی غرب بدل شده‌اند. طبیعتاً افزایش درآمد نفت که سود سرمایه را در

برداشت و در سال‌های ۷۰ متکی بر درآمد نفت یک تحول اقتصادی در پیش گرفت که از سویی به ایجاد پایه‌ای صنعتی و از سوی دیگر به ارتقای نسبی سطح زندگی مردم منجر شد. اگر در ابتدای کار، ارتش نیروی پیشبرنده این تحول بود، به تدریج جناحی از حزب بعث به رهبری صدام حسین، که در سال ۱۹۷۹ رئیس جمهور عراق شد، بر کشور مسلط گشت. این جناح پس از از بین بردن بی‌رحمانه و نابودی فیزیکی هر گونه اپوزیسیون سیاسی، از کمونیست‌ها گرفته تا مذهبی‌ها و کردها، پایه‌های داخلی خویش را تحکیم کرد. از نقطه نظر سیاست خارجی مهمترین هدف صدام حسین ایفای نقش سرکردگی در منطقه بوده است. همین مسئله، محرک آغاز جنگ ایران و عراق بود. اما جنگ ۸ ساله با ایران نه تنها باعث بنای یک ارتش مجهز به کمک غرب و شرق شد، بلکه در همین حال اقتصاد کشور را نیز به نابودی کشاند. این کشور در پایان جنگ، ۹۰ میلیارد دلار، یعنی سه برابر درآمد ملی عراق، مقروض بود. بخش قابل توجهی از این قروض از کشورهای خلیج اخذ شده بود. اما به علت سقوط قیمت نفت خام در بازار جهانی، که هم‌اکنون نیز به لحاظ واقعی (یعنی در مگایسه با

۱۰ سال قبل مجموعاً ۳۰ درصد بیشتر کالا صادر کنند تا به همان اندازه مواد صنعتی از غرب وارد کنند. سقوط قیمت در بازارهای مواد خام کاملاً برونق منافع طبقات حاکم در جوامع صنعتیست زیرا سود سرمایه در این کشورها را افزایش داده و در خدمت حفظ ثبات اجتماعی در آنجاست. درست به همین خاطر منافع سرمایه ایجاد می‌کند که ساختارهای کنونی اقتصاد جهانی را، یعنی حراج مواد خام "جهان سوم" که به وسیله مکانیزم‌های انحصاری و مقروض کردن کشورهای در حال رشد به آنجا تحمیل شد، بدون مزاحمت حفظ کند.

حمله عراق به کویت این نقشه‌ها را همیقا به خطر می‌اندازد. صدام حسین به دفعات متذکر شد که می‌خواهد قیمت نفت خام را افزایش دهد و به این منظور شیخ نشین‌های مرجع و وابسته به غرب را تضعیف کند. خود محافل غربی نیز پس از آنکه متوجه شدند که نمی‌توانند حمایت از نظامات عقب مانده فئودالی در عربستان سعودی و کشورهای نظیر آن را به عنوان دفاع از دموکراسی و حقوق بشر قالب کنند اصرار می‌کنند که جوهر مسئله، حفظ ساختارهای موجود بازار جهانیست. مسئله بر سر تملک مواد خام در جهان و تقسیم ثروتهاست.

بعلاوه، بحران خلیج آشکار کرد که صحبت‌های مربوط به باز بین رفتن اهمیت قدرت نظامی برای ایفای نقش یک ابر قدرت حرف پوچ بود. اگر کشورهای غربی تا دیروز بخاطر "خطر کمونیسم" از رهبری ایالات متحده آمریکا تبعیت می‌کردند، امروز بخاطر "تجدید" منابع نفت توسط عراق این کار را انجام می‌دهند. ایالات متحده آمریکا به این ترتیب یک استراتژی نظامی دراز مدت پایه‌ریزی کرده که بر مداخله نظامی همه دول غربی علیه "جهان سوم" مبتنی است. تا به حال کمتر درباره زمینه‌های واقعی بحران خلیج صحبت شده است. کشور عراق پس از آنکه در سال ۱۹۵۸ حکومت سلطنتی وابسته به بریتانیا سرنگون شد در راه ملی کردن صنعت نفت گام

بسیج نظامی غرب و در حله اول ایالات متحده آمریکا در خلیج با یک ضربت، رویاها را که در اروپای غربی و آمریکا پس از اضمحلال اردوگاه سوسیالیستی در باره فرارسیدن دوران صلح جاویدان پدید آمده بود به باد فنا سپرد. به نظر بسیاری از مردمان کشورهای صنعتی مرفه چنین می‌آمد که هنگامه جدیدی فرارسیده است؛ هنگامه لذتجویی از میوه‌های رفاه و رشد اقتصادی مستمر که اکنون با "پیوست" بازار اروپای شرقی پویایی نوینی کسب کرده است. به نظر سیاستمداران غرب چنین می‌نمود که دیگر در آینده برای ایفای نقش یک ابر قدرت نه قدرت نظامی بلکه قدرت اقتصادی، صادرات گسترده، دانش فنی و... ملاک خواهد بود. به همین خاطر حمله عراق به کویت که بزودی در روزنامه‌های این دیار به عنوان حمله به "نفت‌مان" و به این ترتیب "حمله به سطح زندگی‌مان" تصویر شد، بسان سیل پرهیبتی به خفتگان، رویاها را درهم شکست. روزنامه آلمان می‌نویسد:

T.A.Z. "فرایندهایی نظیر تحولات کنونی در خلیج که در آن یک بیمار روانی مستبد تلاش می‌کند جهان را تحت سلطه خود درآورد، آلمان فدرال را موظف می‌کند از خود همبستگی نظامی نشان دهد زیرا در اینجا هم حفظ صلح جهانی مطرح است و هم حمایت از ساختارهای اقتصادی بازار جهانی و منافع پایه‌ای کشور ما." این است آن روح دلال منشی که در هنگام به خطر افتادن "ساختارهای اقتصادی بازار جهانی" که در واقع همان "نظام اقتصادی نابرابر" در جهان موجود می‌باشد، شمشیر از نیام بیرون می‌کشد.

کافیست فقط به آمار و ارقام رجوع کنیم تا دریابیم که "جهان سوم" چه نقش قاطعی در حفظ سطح رفاه مردم کشورهای رشد یافته ایفا کرده است. کشورهای صنعتی غرب امروز در مقایسه با سال ۱۹۸۰ در ازای مواد خام صادراتی از "جهان سوم" مجموعاً ۳۷ درصد کمتر می‌پردازند. در مقابل کشورهای در حال توسعه باید در مقایسه با

نزاع شمال و جنوب

مذاکرات نجیب الله با نمایندگان اپوزیسیون

پیشین افغانستان که در رم زندگی می‌کند را نیز دارد، خودداری کرد. باین حال این سخنگو اظهار داشت که دولت، پادشاه خلع شده را یک "شخصیت مهم سیاسی" می‌داند. در طول هفته‌های گذشته، رهبران ائتلاف افغانی مستقر در پیشاور پاکستان، از جمله سبت الله مجددی رئیس "دولت در تبعید" شورشیان سرفه‌ای به تهران داشته‌اند. در جریان این سفرها، مقامات جمهوری اسلامی ائتلاف پیشاور را به اتحاد با "حزب وحدت اسلامی" که از ائتلاف هشت گروه شیعه طرفدار تهران تشکیل شده است، فراخواندند.

نجیب الله رئیس جمهور افغانستان هفته گذشته به ژنو سفر کرد. به گفته سخنگوی دولت افغانستان، هدف از این سفر مذاکره با نمایندگان اپوزیسیون مسلح این کشور است. سخنگوی دولت کابل اعلام کرد نجیب الله با هدف پیدا کردن راه حلی برای جنگ داخلی افغانستان، در ژنو با گروه‌های میانه روی شورشیان گفتگو خواهد کرد. طبق این گزارش نجیب الله همچنین با شخصیت‌های معروف افغانی مقیم اروپا ملاقات خواهد داشت. سخنگوی دولت افغانستان از تأیید یا تکذیب این خبر که رئیس جمهور افغانستان قصد دیدار با ظاهر شاه رهبر

غرب پایین می‌آورد، اینک مستقیماً به ضرر منافع این شیوخ است. بحران خلیج بر بستر وخامت اوضاع منطقه زمینه بروز پیدا کرد. هر کس که تحولات خاور نزدیک و میانه را در سال‌های اخیر با دقت تعقیب کرده بود می‌توانست حدس بزند که تضادهای انباشته شده در آنجا دیر یا زود به یک درگیری مسلحانه منجر خواهند شد. البته این را کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند که این نزاع کی و کجا فوران خواهد کرد. بنابراین اشغال کویت توسط عراق تنها بر بستر مخزن باروتی که انباشته شده بود می‌توانست به یک بحران منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود.

فرآورده‌های صنعتی و نه به لحاظ صوری) پایین‌تر از سطح این قیمت‌ها در دوران قبل از افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ می‌باشند، عراق قادر به بازپس دادن این بدهی‌ها نبود. این شرایط برای رژیم عراق مرگبار بود زیرا قدرت این حکومت نه فقط مبتنی بر سرکوب هر گونه اپوزیسیون بلکه نیز بر حفظ سطح زندگی اهالی آن استوار است. صدام حسین ابتدا به "گدایی" پرداخت و به سایر کشورهای خلیج، که برای حمایت از آنها چند صد هزار سرباز عراقی را در جنگ قربانی کرده بود، رجوع کرد. روزنامه زود و دوپچه تسایتونگ در

مصاحبه با حسن شریعتمداری عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران

روی می‌دهد. ولی همه زیادی از ما معتقدند که همه نیروها و از جمله سلطنت طلبها دچار تحول و دگرگونی شده‌اند. مشکل سلطنت طلبها آن است که میان نیروهای دمکرات و غیر دمکراتشان هیچ فاصل و مرزی وجود ندارد و بیشتر به ملقمه‌ای از افکار گوناگون شباهت دارند. مادام که یک نیروی معتقد به دموکراسی، به صورت یک نیروی منسجم، با برنامه گویا در بین سلطنت طلبها پیدا نشود، قضاوت قطعی درباره همکاری با سلطنت طلبان بسیار دشوار است. بهر صورت یک امر برای ما روشن است و آن اینکه سازمانهای مدرن با امواج سیاسی همکاری دراز مدتی را برای خودشان ممکن نمیدانند و فقط با سازمانهای جدی سیاسی طرف می‌شوند. سلطنت طلبها تا زمانی که به این مرحله از تکامل درونی نرسند، قبل از صحبت از همکاری با

بقیه از صفحه ۲

پرسش: اخیراً برخی از طیفهای سلطنت طلب هم هوادار انتخابات آزاد شده‌اند. اصولاً این گرایش در میان سلطنت طلبان را تا چه حد میتوان جدی گرفت و آیا نیروهای سلطنت طلب بدون یک برخورد جدی با کارنامه سیاه پنجاه ساله‌شان میتوانند تنها به صرف ادعاهایشان در زمره نیروهای دمکرات و آزادیخواه به حساب آیند؟

پاسخ: در این باره در میان جمهوریخواهان نظرات گوناگونی وجود دارد. عده‌ای از ما شدیداً مخالف هرگونه اتحاد عمل با سلطنت طلبها هستند، خواه این نیروها دچار تحول بشوند یا نشوند. و دلیل این دوستان هم بیشتر سابقه تاریخی سلطنت میباشند، نه آن تحولات احتمالی که در آینده در بین سلطنت طلبها

آنگاه چه زمینه‌های اشتراکی برای اتحاد میان شما و چنین سازمانی یا حزب سلطنت طلبی باقی میماند؟ پاسخ: همانطور که در ابتدای مصاحبه گفتیم دیدگاه نفی و طرد هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و تحولات اجتماعی خارج از اراده نفی و طردکنندگان مسیر خود را خواهند پیمود. در صورت تحقق شرایطی که در بیانیه تدقیق خط مشی سیاسی جمهوریخواهان مصوب کنفرانس اکتبر ۱۹۹۰ آمده است که البته تحقق آن کار آسانی نیست ما اعتقاد داریم که سلطنت طلب نیز برای گسترش و ترویج دموکراسی باید از شانس برابری استفاده کند. اینکه در نهایت سلطنت نهادی غیر دمکراتیک است یکی از دلایل نظری این امر است که امثال من جمهوریخواهند ولی استقرار دموکراسی در هر جامعه‌ای تنها هنگامی ممکن است که همه ساختارهای فیرومکرات آن جامعه شرایط و جوهرات آن جامعه را بپذیرند. ما با همه نیروهای سیاسی برای ساختن جامعه‌ای آزاد و حکومتی مبتنی بر دموکراسی همکاری می‌کنیم ولی در همین حال تمام تلاش خود را برای استقرار جمهوری ایران بکار می‌بریم.

ادامه دارد

دراز مدت با چنین نیروهای اصولاً مطرح نیست. پرسش: ظاهراً که شما جزو آن گروهی هستید که همکاری با سلطنت طلبها را نه به لحاظ تعلق این نوع نظام به گذشته و عدم مشروعیت تاریخی آن، بلکه به سبب فاصله این نیروها با یک حزب سیاسی مدرن و دمکراتیک نفی می‌کنید؟ بدین ترتیب میتوان گفت که در صورت فرارویی سلطنت طلبها به یک حزب یا سازمان نوین و دمکرات همکاری دراز مدت شما با آنها صرف نظر از مواضع سیاسیشان بلامانع است؟ پاسخ: حداقل بنظر من اگر روزی سلطنت طلبها سازمان جدیدی بر اساس دموکراسی بنا کنند این کلا چیز جدیدی است و خود بخود با سلطنت قبلی ایران هیچ رابطه سیاسی ندارد، چون سلطنتی هیچگاه در ایران با دموکراسی رابطه سیاسی نداشته و همیشه بر علیه آن بوده است. بنابراین اگر یک سازمان دمکرات سلطنت طلب تشکیل شود، این سازمان پدیده جدیدی در میان نیروهای سلطنت طلب هست و طبعاً یک پدیده جدید خود جوابگوی اعمال گذشتگان نیست، ولی از این سازمان توقع می‌رود که قضاوت تاریخی خود را نسبت

آنها باید پرسید که همکاری با کی؟ با کدام بخش از سلطنت طلبها و چگونه؟ بنابراین در حال حاضر مسئله همکاری با سلطنت طلبها خارج از دستور کار ماست، بویژه آنکه تا زمانی که این نیروها حزب‌های خودشان را تشکیل ندهند، اصولاً از دستور کار ما خارجند.

پرسش: منظور شما از فرارویی سلطنت طلبها به یک حزب یا سازمان بیشتر به لحاظ پیدا کردن یک کاراکتر و برنامه سیاسی است و یا با اقتضای ساختار حزبی در میان آنها؟ پاسخ: برنامه و مواضع سیاسی بخش مهمی از مسئله است ولی مهمتر از آن این سؤال است که بر اساس کدام قراردادها و اسناد این تشکل شکل قانونی به خود گرفته است؟ در واقع متشکل شدن این نیروها باید به تعیین افراد مذاکره‌گری بیانجامد که نمایندگی دمکراتیک نیروی خود را بعهده داشته باشند. مادام که این امر تحقق نیافته، ساختار درونی این نیروها صرف نظر از مواضعشان به شکل همبسته، قبیله‌ای، امیری و فرماندهی باقی خواهد ماند و برای ما که به وجود احزاب سیاسی مدرن معتقدیم مذاکره و اتحاد عمل

شوروی:

حذف پست نخست وزیر؟

انتخابات ریاست جمهوری

لهستان

روز یکشنبه ۲۵ نوامبر (۴ آذر) انتخابات ریاست جمهوری لهستان برگزار شد. هنگامی که نشریه به زیر چاپ می‌رفت، هنوز گزارشی درباره نتیجه انتخابات نرسیده بود. دو رقیب اصلی در انتخابات لهستان، هارتند از لگ والسا رهبر اتحادیه همبستگی و تادیوش مازوویتسکی نخست وزیر این کشور. در حالی که والسا از تسریع گذار به اقتصاد سرمایه داری، گسترش بیشتر روابط با غرب و تصفیه ضد کمونیستی دفاع می‌کند، مازوویتسکی خواهان اجرای سیاست محتاطانه‌تری است. نخست وزیر لهستان بر خلاف والسا خواهان حفظ برخی مکانیزم‌های به جا مانده از دوره حکومت کمونیست هاتحق اشتغال کامل از سوی دولت، کنترل قیمت‌های اشیای اساسی، تعیین کننده دولت در اقتصاد است. والسا الگوهای خود را مارگارت تاچر و هلموت کول می‌داند. در ماه‌های اخیر، بسیاری از روشنفکران که در گذشته در اپوزیسیون با اتحادیه همبستگی و السام همراه بودند، او را متهم به استبداد و پوپولیسم کرده‌اند. این شخصیت‌های سیاسی، مانند آدام میشنیک سردبیر نشریه «گازتا ویبورزا» اکنون از مازوویتسکی حمایت می‌کنند.



والسا - کارگر سابق و پادشاه آینده؟

جمهوری ها را مد نظر قرار نداده است.

یلتسین معتقد است طرح گارباجف هدف تقویت تمرکز قدرت در مسکورا دنبال میکند. لایحه گارباجف پیش بینی می‌کند که جمهوری ها، همه قوانینی را که در مقامیرت با قوانین اتحاد شوروی تصویب کرده اند، به حالت تعویق در آورند. در غیر این صورت، طرح مزبور به رئیس جمهور توصیه میکند که از همه ابزارها و اختیارات خود علیه مقاومت جمهوری ها استفاده کند.

به علت اخلال در سیستم توزیع مواد غذایی، بسیاری از مناطق شوروی در انتظار زمستان سختی هستند. اقلام عمده مواد غذایی در شهرهای بزرگ چیره بندی شده اند. سایچاک شهردار لنینگراد میگوید که قادر نیست چیره سرانه‌ای حتی به اندازه چیره شهروندان لنینگراد هنگام محاصره شهر توسط ارتش آلمان، تامین کند. هفته گذشته میخائیل گارباجف در جریان شرکت در اجلاس سران کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا در پاریس، با رهبران برخی کشورها، از جمله آلمان، برای سازماندهی کمک غذایی به شوروی مذاکره کرد. قرار است در آلمان این کمک بصورت دولتی و خصوصی سازمان یابد.

شورای عالی (پارلمان) اتحاد شوروی بررسی جزئیات لایحه پیشنهادی میخائیل گارباجف رئیس جمهور برای افزایش اختیارات ریاست جمهوری را که کلیات آن روز شنبه ۱۸ نوامبر (۲۷ آبان) به تصویب پارلمان رسیده بود، آغاز کرد. در صورت تصویب این لایحه، قانون اساسی شوروی اصلاح خواهد شد و کابینه تحت ریاست مستقیم رئیس جمهور قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب پست نخست وزیر جایگاه خود را در نظام سیاسی شوروی از دست خواهد داد. اصلاحات پیشنهادی، همچنین ایجاد مقام معاونت رئیس جمهور را پیش بینی می‌کند.

طرح جدید، واکنش گارباجف نسبت به آنچه خود او آن را در نطق پارلمانی اش "جنگ تمام عیار قدرت" نامیده است. در هفته‌های گذشته جناح موسوم به اصلاح طلبان رادیکال به رهبری بوریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه بارها خواستار برکناری نیکلای ریشکف نخست وزیر شوروی شدند. یلتسین در شورای عالی اتحاد شوروی خواهان تشکیل یک کمیسیون مقابله با بحران به جای دولت کنونی شد. وی در هفته گذشته طرح گارباجف برای افزایش اختیارات رئیس جمهور را مورد انتقاد قرار داد و گفت گارباجف در طرح خود، پیشنهادهای رهبران



مارگارت تاچر استعفا کرد

در کابینه او شرکت خواهند کرد. این موضع گیری سه کاندیدا نشان می‌دهد که حزب محافظه کار می‌خواهد پس از حذف تاچر، به طور یکپارچه و متحد وارد کارزار انتخابات مجلس عوام شود. حزب کارگر در روزهای اخیر پیوسته خواستار برگزاری انتخابات زودرس شده است اما از آنجا که تعیین تاریخ دقیق انتخابات بسته به تصمیم نخست وزیر محافظه کار (تاچر و جانشین او) خواهد بود، به نظر نمی‌رسد این حزب در شرایط فعلی که نتایج نظرخواهی‌ها چندان بسودش نیست، به انتخابات تن دهد.

مارگارت تاچر در طول یازده سال حکومت خود، با به اجرا در آوردن راه حل محافظه کارانه برای مقابله با بحران اقتصادی، نمونه بارزی از "جامعه دوم" در بریتانیا ایجاد کرد، جامعه‌ای که رفاه نسبی اکثریت آن، به قیمت فقر و فلاکت روزافزون حدود یک سوم مردم تمام می‌شود. رئیس سیاست‌های اقتصادی تاچر عبارت بود از خصوصی کردن موسسات اقتصادی دولتی، تضعیف سندیکاها از طریق فراهم کردن زمینه اخراج‌های دسته جمعی، بخشودگی‌های مالیاتی به سرمایه‌داران و حذف برنامه‌های رفاهی و بیمه‌های اجتماعی. در سیاست خارجی و دفاعی، دولت تاچر مانند دولت ریگان به نظامی‌گری و افزایش تسلیحات پرداخت و در موارد مختلف مانند لشکرکشی به مالویناس، کمک به آمریکا در بمباران لیبی و حضور نظامی در خلیج فارس، نشان داد که در ماجراجویی دست کمی از محافظه کاران آمریکایی ندارد. تنها با اجرای مشی نوین دولت شوروی و غالب شدن "اندیشه نوین" در بسیاری از هرصه‌های سیاست بین‌المللی بود که تاچر نیز مانند ریگان و بوش، تا حدی واقع بینی سیاسی از خود نشان داد و دریافت که منافع بریتانیا نیز انطباق یافتن با شرایط جدید جهانی را ایجاب می‌کند.

با کناره‌گیری تاچر، به نظر نمی‌رسد سیاست دولت بریتانیا به غیر از در برخورد آن به روند وحدت اروپا، دچار تغییر اساسی شود.

مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا پس از یازده سال از مقام خود استعفا کرد. این استعفا بدنبال رای گیری در فراکسیون حزب محافظه کار در مجلس عوام بریتانیا برای تعیین رهبر حزب که خود بخود نخست وزیر خواهد بود، صورت گرفت. در این رای گیری، تاچر ۲۵۴ رای و رقیب او مایکل هزل تاین ۱۵۲ رای به دست آوردند، اما از آنجا که در دور نخست رای گیری، برنده باید حداقل به میزان ۱۵ درصد کل آرا از رقیب خود رای بیشتر داشته باشد، تاچر نتوانست در دور نخست به پیروزی دست یابد. وی با اینکه پس از اعلام نتیجه آرا در شامگاه ۲۵ نوامبر (۲۹ آبان) نیز گفته بود که در دور دوم رای گیری شرکت خواهد کرد، دو روز بعد، قبل از سپری شدن مهلت معرفی کاندیداها برای دور دوم رای گیری در ۲۷ نوامبر (۶ آذر)، استعفاي خود را اعلام کرد. علت استعفاي تاچر، عدم حمایت قاطع نمایندگان حزب محافظه کار از او بود.

مایکل هزل تاین رقیب تاچر در دور دوم رای گیری شرکت خواهد کرد. هزل تاین در سال ۱۹۸۸ بدنبال اختلاف نظر با تاچر از مقام وزارت دفاع استعفا کرد. در حالی که هزل تاین مدافع نزدیکی بریتانیا به سایر کشورهای عضو جامعه اروپا و پیوستن بریتانیا به روند وحدت اروپای غربی است، تاچر به ویژه در سال‌های اخیر نماینده جناح مخالف روند وحدت اروپای غربی بود. همین اختلاف در روزهای اخیر تا حدی بالا گرفت که جفری هاو، وزیر خارجه پیشین و معاون تاچر از مقام خود استعفا کرد و طی نطقی در پارلمان از همه سیاستمداران حزب محافظه کار خواست که به حمایت از تاچر پایان دهند. بدنبال این نطق هاو بود که هزل تاین اعلام کرد در رقابت با تاچر، نامزد رهبری حزب خواهد شد.

مایکل هزل تاین باید برای رسیدن به رهبری حزب و نخست وزیری، دو رقیب را شکست دهد: دگلاس هرد وزیر خارجه و جان میچر وزیر دارایی کابینه تاچر. هر سه نامزد نخست وزیری اعلام کرده‌اند که در صورت پیروزی هر یک از رقبای خود،



با اینکه مایکل هزل تاین نتوانست در دور اول رای گیری تاچر را شکست دهد، اما میزان بالای آرای او باعث کناره‌گیری تاچر شد.

السالوادور:

عملیات نظامی موفق انقلابیون

منطقه لطمه وارد آورد. دبیر کل سازمان ملل طرفین جنگ در السالوادور را طی یک فراخوان عاجل دعوت به صلح کرد. در بیانیه خاویر پرز دو کوئیار که توسط نمایندگی ملل متحد در سان سالوادور انتشار یافت، آمده است از سرگیری نبردها در این کشور، اورانگران کرده است.

جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی (اف.ام.ال.ان) در السالوادور روز سه شنبه ۲۵ نوامبر (۲۹ آبان) یک تهاجم سراسری علیه ارتش این کشور را آغاز نمود. با اینکه به گزارش شاهدان عینی، نبردها بسیار سخت است و در حداقل ۶ استان از ۱۴ استان السالوادور جریان دارد، سخنگویان اف.ام.ال.ان حمله جدید را یک اقدام "محدود" نظامی علیه دولت راست افراطی این کشور اعلام کرده‌اند. به گفته این سخنگویان، هدف این عملیات نظامی، کشتادن آلفردو کریستیانی رئیس جمهور به پای میز مذاکره و وادار کردن او به انجام اصلاحات در ارتش و تن دادن به تحقیق پیرامون موارد نقض حقوق بشر است به گزارش سخنگویان نیروهای دولتی السالوادور در نخستین ساعات حمله چریک‌ها ۳۰ تن کشته شده‌اند سان سالوادور پایتخت این کشور نیز صحنه درگیری بوده است.

مجمع عمومی سازمان ملل روز سه شنبه ۲۵ نوامبر (۲۹ آبان) در نیویورک قطعنامه‌ای در حمایت از روند صلح در آمریکای مرکزی تصویب کرد. این قطعنامه خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل را فراخوانده است برای تسریع مذاکرات میان اف.ام.ال.ان و دولت کریستیانی اقدام کند. قطعنامه می‌افزاید کشورهای خارجی که می‌خواهند از منافع خود در آمریکای مرکزی دفاع کنند، نباید دست به هیچ اقدامی بزنند که احتمالاً به روند صلح و دمکراتیزه کردن این

برای اشتراك نشریات "کار و سوا" اکثریت - در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمير بستی و يارسيد بانكي پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا		دیگر نقاط	
بهای اشتراك	۱۱ مارک	۱۳ مارک	شش ماهه
نشریه "کار"	۲۱	۲۲	یک ساله

اروپا		دیگر نقاط	
بهای اشتراك	۳۲ مارک	۳۹ مارک	سه ماهه
نشریه "اکثریت"	۶۲	۷۶	شش ماهه
	۱۲۵	۱۵۰	یک ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور آدرس: AKSARIYAT NO. 328 MONDAY 26. Nov. 1990 آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN GERMANY	حساب بانکی: M.ABD کد بانک: 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY
--	--